



مینا احدی

قتل ناموسی یک مسئله سیاسی است و نه صرفاً یک تراژدی خانوادگی

مینا احدی فعال مدافع حقوق زنان، بر علیه اعدام مبارزه میکند. پای صحبت او می نشینیم، با او در مورد دخترانی که بدلیل ناموس به قتل میرسند، در مورد سیاستمدارانی که به این معضلات نگاه هم نمیکند و از اینها گذشته در مورد اینکه چگونه انسان بعنوان منتقد سلام سیاسی، میتواند به گوشه راست جامعه رانده شود، حرف میزنیم. **یولیا ورترا**

وقتی یک اروپایی، نمیتواند خوب تصور و یا درک کند، سنگسار تا چه حد وحشیانه و قرون وسطایی است، مینا احدی اینرا توضیح میدهد: " زنان را تا سینه در خیابان و در ملا عام، در خاک فرو کرده و تعدادی مرد در اطراف او جمع شده و به روی او آنقدر سنگ پرتاب میکنند، که مغزش منفجر شود".

مدافع حقوق انسانی، تاکنون توانسته تعداد زیادی از زنان محکوم به مرگ را نجات دهد، زنی همچون افسانه نوروژی را که کسی را که قصد تجاوز به او را داشته، به قتل رسانده و به همین دلیل به مرگ محکوم شده بود، با فعالتهای او توانسته از مرگ نجات یابد.

احدی که متولد ایران است، از سال ۲۰۰۱ با یک کمیته جهانی بر علیه سنگسار، برای نجات زنان مسلمان محکوم به سنگسار مبارزه میکند، او همچنین در سال ۲۰۰۴ کمیته بین المللی علیه اعدام را بنیان گذاشته است. " وظیفه ما اینست که این رفتار وحشیانه را افشا کنیم و زنان محکوم به اعدام را با چهره های خود و با

صفحه ۲



مریم نمزی

ما، آنتیستها و کسانی که از اسلام روی برگردانده ایم پیوستن خود را به کمپین سراسری "ما از مذهب روی گردانده ایم" در بریتانیا اعلام میکنیم. ما اعلام میکنیم که هیچکس نباید تحت عنوان مسلمان طبقه بندی شده و دارای حقوق ویژه فرهنگی و یا توسط رهبران خودگمارده سازمانها و مجامع اسلامی نمایندگی شوند. ما که با اسم و عکس خود پا پیش گذاشته ایم تا این کمپین را در بریتانیا بر پا کنیم، نماینده تعداد بیشماری از انسانیهای هستیم که بدلیل مهر " مرتد " خوردن، که بر اساس قوانین اسلامی مجازات مرگ را در بر دارد، قادر نبوده اند در این کمپین شرکت کنند ما با این کار خود تابلوی روی گرداندن از اسلام و مسلمان بودن را شکسته و در عین حال از جهان شمول بودن حقوق و ارزشهای انسانی، از شعور انسانی، و از سکولاریزم دفاع می کنیم. در حالیکه مذهب یا نداشتن مذهب امر خصوصی انسانهاست، مداخلات روزمره و هر چه بیشتر مذهب، علی الخصوص مذهب اسلام، در زندگی انسانها در دنیای کنونی، هر چه بیشتر لزوم وجود کمپین "ما از مذهب روی گردانده ایم" و اعلام مواضع آن را ایجاب میکند. ما نماینده اکثریت قریب به اتفاق سکولارها و انسانهای معترض و مبارز در اروپا و دیگر کشورهای جهان از جمله ایران هستیم.

مبارزه علیه مذهب و اسلام سیاسی کمونیست دخالتگر می خواهد احتیاجی به داور ندارد!

به هر اندازه کمپین اکس مسلم پرده از ماهیت ضد بشری مذهب برمی دارد و نیروی اجتماعی را در مقابل بربریت اسلام سیاسی سازمان می دهد، سروصدای تعرض به آن هم شنیده می شود. به هر اندازه مردم عاصی از اسلام و باندهای اسلامی، نقطه امید خود را حرکت این کمپین حس می کنند، تهاجم به آن اینجا و آنجا و در میان نگرشهای فرقه ای هم خود نمایی می کند. وظیفه این تعرض و این تهاجمات را کسانی بعهده گرفته اند که داعیه ضد مذهبی دارند. یکی از مخالفین این کمپین علی جوادی است که از موضع داور و با برخوردی



عبدالقربین

صفحه ۶

بیانیه شورای "کمپین ما از مذهب رویگردانیم" (اکس مسلم) در بریتانیا

صفحه ۷



عکس از کنفرانس مطبوعاتی اکس مسلم در محل پارلمان انگلستان

مسجد علی در استکهلم سوئد به کودکان ۹ ساله دختر که به سن تکلیف رسیده اند هدیه میدهد.

در استکهلم سوئد هدیه داده میشود. بشریت متمدن تا کی میتواند شاهد فجایعی این چنین باشد. اجازه رسمی محرومیت از کودکی، شادابی، بازی و لبخند. اجازه رسمی - شرعی - به سرکوب کودکی. اجازه رسمی به تجاوز روحی و جسمی به کودکان.

صفحه ۱۹

در صفحات دیگر

- * چهار ماه تلاش برای تغییر دنیا صفحه ۳
- مصاحبه سلمان احمدی با مینا احدی
- * کمپین نجات جان کبری رحمانپور صفحه ۹
- * گزارش روزانه از آلمان ۱۳ صفحه ۱۱
- محمد آسنگران -
- * در مورد نامه سرگشاده صفحه ۱۲
- مسعود رازی به مینا احدی - محمد آسنگران -
- * نکاتی درباره مذهب و شیوه صفحه ۱۶
- برخورد به آن - حمید تقوایی -
- * از سمینار حمید تقوایی و مینا احدی صفحه ۱۶
- * اکس مسلمی؟ که چی؟ صفحه ۱۹

قتل ناموسی یک مسئله...

سرگشتهای خودشان در دنیا معروف کنیم، از این طریق توانسته ایم جان تعدادی را نجات دهیم،" اینرا منتقد اسلام سیاسی توضیح میدهد.

او با دویست سازمان جهانی مدافع حقوق انسانی همکاری میکند. مهمترین کشورهایی که مورد توجه او است ایران، افغانستان، ترکیه، پاکستان و کشورهای از این قبیل است. او از افراد و نهادهایی که با وی مرتبط هستند، از طریق نامه و یا امیل، اخبار را میگیرد. خبر اینکه در هر گوشه دنیا زنی به سنگسار و یا اعدام بلیل زیر پا گذاشتن مقررات و قوانین اسلامی محکوم شود، فوراً برای او ارسال میشود، بعد او برای نجات این قربانیان اعلام کمپین میکند. با طومارهای اعتراضی که جمع میکند، با میتینگهایی که در مقابل سفارتخانه ها سازمان میدهد، و با سفر و ملاقات با کمیسیونهای حقوق بشر و پارلمان اروپا، با مجموعه اقدامات بین المللی، تلاش برای نجات این افراد آغاز میشود. رژیم اسلامی اکنون میدانند که با هر مورد حکم سنگسار در دنیا موجی از اعتراض به پا خواهد شد و به همین دلیل برای محکوم کردن زنان و مردان به سنگسار امروز دیگر احتیاط زیادی میکنند. احدی میگوید.

مینا در سال ۱۹۵۶ در ایران متولد شده است. او که در سال ۱۹۷۹ در زمان انقلاب، دانشجوی پزشکی بوده، با رژیم جدید اسلامی، مبارزه گسترده ای را آغاز میکند، همسرش که فعال سیاسی بوده، به دست این رژیم دستگیر و اعدام میشود. او نخست به کردستان ایران پناهنده شده و آنجا فعالیت میکرد و از سال ۱۹۹۶ این آنتیست معتقد، در کلن زندگی میکند. آخرین فعالیت او سازمان دادن یک کفرانس بزرگ در شهر کلن بوده با حضور مدافعین سرشناس حقوق زن از سراسر دنیا، تم این کفرانس قتلهای ناموسی بود. علت آن قتل هاتون سروچو زن ترک تبار در برلین به دست برادرش بود. چرا که او سنتها و اخلاقیاتی که خانواده او آنرا قبول داشتند، به آنها تمکین نمیکرد. برادر کوچک او از بین سه برادر، این قتل را به عهده میگیرد، و اخیراً او در یک پروسه جنجالی دادگاه، محکوم شد. ولی دو برادر دیگر آزاد میشوند.

فالتز: بعد از محاکمه سه برادر هاتون سروچو، تمام آلمان بر علیه قتل ناموسی اعتراض میکند و از این واقعه عصبانی است، آیا مردم نمیدانستند که این مسائل در کشورشان پیش می آید؟

مینا احدی: هاتون سروچو یکی از قربانیان قتلهای ناموسی است. این قتلها قربانیان زیادی داشته است. ولی بطور معمولی دولت آلمان، زیاد خودش را با معضلات و مشکلات زنان فراری از کشورهای اسلام زده مشغول نمیکند. طبق آمار سازمان ملل سالانه ۵۰۰۰ زن قربانی قتل ناموسی میشوند. تازه آمار واقعی از این هم بیشتر است. آماری که هیچگاه روشن نمیشوند، در ایران ما خبر داریم که گاهای زنان و دختران را زیر فشار میگذارند که خودکشی کنند. بطور مثال دختر ۱۸ ساله را با دادن قرص وادار میکنند، خود را بکشد. این به اسم خودکشی مطرح میشود و کسی آنرا قتل ناموسی به شمار نمی آورد و متأسفانه باید گفت در آلمان نیز این موارد دیده شده است. ما یک مرکز مشاوره داریم که از این دختران و زنان که در خانواده تحت فشار هستند، دعوت میکنیم به ما مراجعه کنند. قتل ناموسی یک معضل سیاسی است و نه صرفاً یک تراژدی خانوادگی. قتل زنان در خانواده ها در همه جای دنیا، یک امر سیاسی است و نه خانوادگی. باید به دقت توضیح داده شود، کدام نیروها کمک میکنند که سیستم ضد زن ادامه حیات پیدا کند و شوینیسم و مردسالاری ادامه حیات داشته باشند.

فالتز: یعنی فکر میکنید که سیستم در آلمان، مقصر بود که هاتون به قتل رسید؟

مینا احدی: در آلمان، دولت آلمان کاملاً در ایجاد شرایطی که به چنین قتل منجر شده است، مقصر هست. چرا که این دولت

جریانهای اسلامی را قبول میکند و به آنها کمک میکند. این سازمانهای اسلامی نقش بسیار مهمی در مراکز زندگی این مردم بازی میکنند. اینها با حضور دائم خود، شرایطی و فضایی را ایجاد میکنند که در آن ناموس و ناموس پرستی اهمیت پیدا میکند. آنها در زندگی مردم با کلاسهای قرآن نقش بازی میکنند با ملاهای صدارتی و با یک شبکه فعال در بین مردم.

فالتز: شما فکر میکنید چگونه میتوان در اروپا با اسلام رفتار کرد، نه مثل اطریش که آنرا به رسمیت می شناسند، بلکه با عدم رسمیت شناختن و یا چگونه؟

مینا احدی: من این امر را بسیار قابل انتقاد و اعتراض میدانم که سازمانهای اسلامی بعنوان نمایندگان رسمی و قانونی همه مردم "مسلمان" معرفی شوند. آنها اصلاً نماینده این مردم نیستند. من مذهبهاست با این تصویر مبارزه میکنم که هنوز هم در قرن بیست و یکم مردم را از روی تعلقات مذهبی تعریف میکنند. برای من انسان بودن در درجه اول قرار دارد، فرقی نمیکند که این انسان به کدام مذهب تعلق داشته و یا رنگ پوست او چیست. سازمانهای اسلامی ابداع نباید از دولت پول و کمک مالی دریافت کنند، بدلیل اینکه دولت‌های غربی میخواهند به اصطلاح از فرهنگ اسلامی محافظت کنند، پولها را به مساجد و کلاسهای تدریس قرآن و غیره سرازیر میکنند و از طریق آنها فشار اجتماعی بر زنان و دختران گسترش می یابد. در این مورد منظورم همان سازمانهای به اصطلاح معتدل اسلامی نیز هست. آنها همگی در عمل، یک شبکه برای اسلام سیاسی ایجاد میکنند، حتی اگر خودشان مستقیماً ارتباط با سازمانهای تروریست اسلامی نداشته باشند. در اطریش مشکلات، شبیه به مشکلات در آلمان است. فقط اینجا

مشکل را پرده پوشی هم میکنند. این سازمانهای "معتدل" را در هر دو کشور میگذارند هر کاری که میخواهند بکنند، با آنها دیالوگ میکنند و امیدوار هستند که "انشالله" هیچ چیز اتفاق نمی افتد.

فالتز: الان بحث در مورد اسلام، محدود به قتل ناموسی و ازواج اجباری و شکلیت از یک "فرهنگ عقب مانده" متمرکز شده است. چگونه میتوان زنان پناهنده و مهاجر را کمک کرد که از شرایط تحت ستم بودن خود را رها کنند؟

مینا احدی: زنان در بین دو جبهه باقی مانده اند. از یک طرف سیاست دولتها اینست که نیواری بین مردم مهاجر و پناهنده با مردم در کشور مربوطه میکشند و آنها را به زندگی در گتوها مجبور میکنند، از طرف دیگر با کمک کردن به سازمانهای اسلامی کمک میکنند که مردسالاری و شوینیسم در بین مردم رشد کرده و دست بالا پیدا کند. در آلمان ما بالاخره اکنون میخواهیم یک شورا درست کنیم که نماینده کسانی و سازمانهایی خواهد بود که مذهب ندارند، در آلمان حداقل یک سوم مردم این سازمانهای اسلامی را اصلاً قبول ندارند. ما با تشکیل این شورا خواهیم کوشید نشان دهیم واقعا زنان در این جوامع و این کمونیتی ها چگونه زندگی میکنند و چه فکر میکنند.

فالتز: بالاخره مشکل اینجا چیست اسلام و یا مردسالاری؟

مینا احدی: مشکل زنان را میتوان واضح در قرآن دید. و سنتهای عقب مانده نیز بطور مستقیم و قوی از اسلام تأثیر پذیرفته اند.

یک مسئله اینست که تعدادی از مردان، در خانواده ها این امکان تئوریک را که قرآن در اختیار آنها گذاشته مورد استفاده قرار میدهند. اسلام یک مذهب ضد زن و ضد انسان

است، مثل همه مذاهب دیگر. مسئله بسیار مهم در این میان اینست که امروز این مذهب سیاسی است و ما با اسلام سیاسی طرف هستیم این مذهب در کشورهای در قدرت است. در کشورهای اسلام زده امروز این دولتهای اسلامی و این اسلام سیاسی است که مشکل اصلی است. که مردسالاری را تشویق میکنند و از آن نفع میکند و از اسلام و مذهب اسلام بعنوان یک وسیله خوب استفاده میکند.

فالتز: تعدادی از اسلام شناسان معتقد هستند که میگویند مشکل اسلام و قرآن نیست، بلکه نحوه تفسیر قرآن مهم است. در تفسیر از قرآن برداشتهای مردسالارانه وجود دارد. نظر شما چیست؟

مینا احدی: در قرآن سیاه روی سفید نوشته شده است: "وقتی زن تو با تو خوابید، میتوانی او را کتک بزنی" چگونه میتوان این سطر را تفسیر کرد بنظر شما؟ من مخالف این جهتی هستم که مشکل را فقط با تفسیر و یا فقط سنت توضیح میدهد. یعنی اینکه سنتهای عقب مانده را مشکل اصلی قلمداد میکند. یک بحث دیگر هم در بین برخی از زنان "مسلمان" هست، که میگویند، زنان باید سواد بیشتری یاد بگیرند. من میگویم وقتی حقوق اولیه انسانی من زیر پا گذاشته میشود و سیستمی هست که حقوق اولیه مرا زیر پا له میکند، خواندن و نوشتن چه کمکی به من خواهد کرد.

فالتز: منتقدین اسلام، همچون آیان هیرسی علی، پوپولیست راست، فرهنگ اسلامی را "برابری طلب" نمیدانند، کجاست مرز بین انتقاد درست و برخورد نادرست؟

مینا احدی: من به فعالیت‌های آیان هیرسی علی بعنوان یک مبارز علیه یک مذهب ضد زن، ارزش قائل هستم. حزب او را ما من صفحه ۳

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه

از صفحه ۲

قتل ناموسی یک مسئله...

قبول ندارم و رد میکنم انسان باید حق داشته باشد همه مذاهب را نقد کند. و وقتی یک مذهب یک جنبش سیاسی هم باشد انسان باید حتما آنرا نقد کند و این ایدئال اسلام فویبا نیست.

فلتر: آیا مولتی کولتی یک اشتباه بود؟ آیا بدین طریق اروپا، اسلامپها را تقویت کرد؟

مینا احدی: سیاست تولرانس تا امروز تأثیرات منفی بسیاری داشته است. مرز بسیار چیزها از این طریق بهم

ریخت. چپهای زیادی در اروپا بویژه، فقط هدفشان و امرشان این بود که مردم باید به فرهنگ دیگران و فرهنگ بیگانه احترام بگذارند و آنرا به رسمیت بشناسند.

اما قتل ناموسی، ازدواج اجباری و حجاب کودکان، و اجازه نداشتن کودکان به شرکت در ورزش و شنا، را نیز جزئی از فرهنگ این مردم دانسته به آن احترام گذاشته و کسی به آن اعتراضی نمیکرد. وقتی امروز افرادی همچون من، میگویند که نسبیت فرهنگی درست نیست، سعی میکنند استقاده راست روانه از آن کنند. در آلمان مثلا

گرامی باد خاطره قربانیان ۳۰ خرداد و هالوکاست اسلامی

اونسا هفده ساله را از پنجره پرتاب کرده و کشتند.

سازمان اکس مسلم، برای روشن کردن این قتل و مقابله با قتل‌های ناموسی خواهد کوشید!

حرف بزنند و در این مورد اطلاعاتی بدهند. پدر و برادر اونسا از فعالین و مرتبطین با سازمان افراطی اسلامی مللی گوروش هستند. گفته میشود که مسنولین مدرسه از طرف سازمانهای اسلامی تهدید شده اند و بدین ترتیب همه دهانها بسته شده و سکوت مرموزی در مورد این قتل در محله و شهر اویسکیرخن در جریان است. حالا از ما خواسته شده است، در این مورد دخالت کرده و کاری کنیم که فوراً این موضوع فراموش نشود.

این واقعه در قلب اروپا و در آلمان اتفاق افتاده است. پدیده دختران بالکنی در سوئد پدیده شناخته شده ای است. بنظر میرسد سازمانهای اسلامی این روش قتل را در آلمان نیز پیاده میکنند. اونسا شاید اولین مورد این نوع قتل نباشد، ولی قطعاً آخرین آن هم نیست. در صفحه ۵

چرا که قول ازدواج او به یک نفر دیگر داده شده بود. اونسا از پنجره حمام به بیرون پرتاب شده و گفته میشود قبل از این کار وادارش کرده اند که یک مایع پاک کننده شیشه را نیز بنوشد. خانواده او میگویند او در حال پاک کردن پنجره به بیرون پرتاب شده و دوستانش از یک قتل سازمان یافته در خانواده حرف میزنند که بصورت پرتاب از پنجره سازمان یافته شد.

در مدرسه مدیر مدرسه علاقه ای به پیگیری موضوع نشان نمیدهد. او میگوید به اندازه کافی مشکل دارند، و نمیخواهد این موضوع را پیگیری کند!!!!!!

دوستان اونسا در این روزها توسط یک دختر محجبه که گفته میشود از اعضای سازمان اسلامی مللی گوروش است، همراهی میشوند و آنها اجازه ندارند با کسی

دختری که همواره آماده کمک بود، شناخته شده بود. او در خانواده خود نیز برای برخی آزادیها جنگیده و توانسته بود، موفقیت هایی به دست آورد. اونسا بدون حجاب بود و به همه میگفت من این را به خانواده ام تحمیل کرده ام. او توانسته بود آخرین بار بر خلاف میل خانواده اش در سفر دسته جمعی با همکلاسی های خود به شهر دیگری رفته و یک هفته آنجا بماند. اونسا اخیراً در یک مغازه سانویچ فروشی کار میکرد و همکلاسی ها او میگفتند که برادرش او را به محل کار برده و پس از اتمام کارش او را تا خانه همراهی میکرد است. اونسای جوان یک قدم اجازه نداشت تنها بردارد.

اونسا مخفیانه به یک پسر علاقمند شده و با او رابطه داشت و اینرا پدر و برادرش فهمیده بودند. آنها شدیداً با رابطه اونسا با پسری که به او علاقمند شده بود، مخالفت میکردند،

اونسای زیبا روز ۳ ماه مه ۲۰۰۷ در بیمارستانی در شهر اویس کیرخن آلمان درگذشت. اونسا امروز دیگر زنده نیست. او همانند دعا ی ۱۷ ساله قربانی یک قتل ناموسی است. ونسا تازه ۱۷ ساله شده بود. او یک دختر خندان و پر از شور و حرارت است و در عکسش به همه ما لحن میزند. از پنجره یک ساختمان و از فاصله هشت متر به زمین پرتاب شده و چهار هفته با مرگ دست و پنجه نرم کرد،

اونسا در آلمان متولد شده بود. در یک از خانواده متعصب اسلامی که از پاکستان به آلمان آمده بودند. اونسا شاگرد ز رنگ مدرسه و یکی از با هوش ترین و علاقمندترین ها به درس و مشق در مدرسه، بود. اونسا یکی از محبوب ترین شاگردان در مدرسه و از طرف دوستان و همکلاسی هایش بعنوان

چهار ماه تلاش برای تغییر دنیا!

مصاحبه سامان احمدی با مینا احدی

حدود چهار ماه از تشکیل کمپین "ما از مذهب روی گردانیم" می گذرد. در این مدت این کمپین فعالیتهای فراوانی را در دستور داشته است و به شدت در رسانه ها و افکار عمومی مطرح بوده است، مشروح گزارشات این فعالیتهای به زبان فارسی که بیشتر توسط محمد آسنگران و تحت عنوان " گزارش های روزانه" نوشته شده است در سایت های مختلف به چاپ رسیده است و علاقه مندان می توانند آنها را مطالعه کنند. و حالا بعد از حدود چهار ماه می خواهیم همراه با مینا احدی مسؤل این سازمان مروری هر چند کوتاه و مختصر بر این چهار ماه داشته باشیم :

و بالاخره تصمیم گرفتیم با چند سازمان آنتیست و سکولار آلمانی که نظرات مشابهی در این زمینه با هم داشتیم، کاری بر علیه این روند انجام دهیم. ایده اعلام کمپین ما از مذهب رویگردانیم و چاپ عکسهای ما از یک حرکت مهم در جنبش زنان در آلمان است که توسط میکایل اشمنیت

موضوع داغ میشد، حجاب، حجاب کودکان، قتل ناموسی، تدریس مذهب و بالاخره کنفرانس اسلام به دعوت وزارت داخله آلمان و اعلام اینکه چند سازمان تروریست اسلامی در اینجا نماینده مردم فراری از ایران و عراق و افغانستان و ترکیه را به عهده دارند؟! اینها همگی مورد اعتراض و انتقاد ما بوده

چرا در این مقطع این سازمان تشکیل می شود؟

مینا احدی: ایده این سازمان اساساً از انتقادات فراوانی شکل گرفت که ما به دخالت و پیشروی سازمانهای اسلامی در آلمان و اروپا داشتیم. من ۱۱ سال است که در آلمان زندگی میکنم و هر از چند گاهی اینجا یک

سامان احمدی: مینا احدی عزیز خوشحالم که با وجود داشتن مشغله های فراوان این مصاحبه را قبول کردید و متشکرم. همانطور که اشاره کردم می خواهم مروری داشته باشیم بر سیر پیشروی سازمان "ما از مذهب روی گردانیم" اما قبل از آن بد نیست بپرسم اساساً ایده به وجود آوردن چنین حرکتی از کجا آمد و

سالمون از سازمان جردانو برونو با من طرح کرد و بلافاصله توافق کردیم و یکسال هم روی اجرای این ایده کار مشترک کردیم. زمان اعلام حرکت هم بنظر من دیر شده بود و باید زودتر از اینها ما کاری میکردیم.

سلمان احمدی: می دانم که انعکاس تمامی فعالیت های این سازمان در حوصله این مصاحبه نمی گنجد، اما دوست دارم با گزارش مختصری از این سازمان از زمان تاسیس و اعلام آن تا الان شروع کنیم سوالم را اینطور بپرسم، بعد از چند ماهی که از تشکیل سازمان میگذر در کجا قرار دارید؟

مینا احمدی: ما خیلی جلو آمده ایم. اولاً الان یک سازمان و حرکت مطرح در آلمان و تا حدودی در دنیا هستیم ما توانستیم تا به این حد برسیم ما توانستیم اعلام کنیم که انسانها میتوانند بگویند از اسلام دست میکشند و سازمانهای تروریست اسلامی جرات نکنند رسماً فتوای قتل بدهند. ما توانستیم این حرکت را تا حدودی توده ای کنیم ما توانستیم در آلمان به این داستان خاتمه دهیم که سازمانهای اسلامی نماینده مردم فراری از کشورهای اسلام زده هستند. ما در مورد هر معضلی که مربوط به مردم فراری از کشورهای اسلام زده هست، مثل داستان قاضی دانگای در فرانکفورت و یا معضل حجاب و مسجد ساختن یک طرف مباحثات هستیم و اجازه نمیدهم سازمانهای اسلامی مثل قیل یکه تازی کنند. اکنون رسانه ها برایشان مهم است که ما در این مورد چه میگوئیم.

سلمان احمدی: اگر در یک جمله بخواهم بپرسم این سازمان چه هدفی را دنبال میکند، جواب شما چیست؟

مینا احمدی: این سازمان یک حرکت و یک سیاست دیگر در مقابل جنبش اسلامی و اسلام سیاسی و دخالت این جنبش در زندگی و مقدرات مردم است. ما جهانشمولی حقوق انسان را در مقابل تقسیم بندی حقوق مردم به مذهبی و ملی و فرهنگی... قرار داده ایم. انسان انسان است و حقوقش بر اساس هویت انسانیش باید به رسمیت شناخته شود. کسانی آمده اند میگویند این میلیونها انسانی که از کشورهای اسلامی فرار کرده اند مسلمان هستند و باید حقوقشان در آن چهار جوب تعریف شود. ما آمیم اعلام کردیم مسلمان نیستیم این دو کلمه بهتر از هر توضیح و تفسیری توانست صف انسانی ما را و هویت انسانی ما را در مقابل کسانی که میخواهند ما را اسلامی تعریف کنند روشن و جابگو بود. سیاست این سازمان نقدی است به مماشات و همکاری دولتهای اروپایی با

اسلام سیاسی، این سازمان نهادهی است در دفاع از جهانشمولی حقوق انسانی، در مقابل نسبییت فرهنگی، این سازمان از حقوق کودکان و زنان و دخترانی دفاع میکند که در خانه مورد انبیت و آزار قرار گرفته و به دلیل حمایت و دخالت سازمانهای اسلامی و یا مساجد و حجاب و یا ازواج اجباری زیر فشار قرار گرفته و یا به قتل میرسند. این سازمانی است در دفاع از جهانشمولی حقوق انسانی این سازمانی است در عین حال در مقابل نو قطب تروریستی در نظم نوین جهانی و در دفاع از جبهه سوم.

سلمان احمدی: این سازمان خیلی زود در راس اخبار همه خبرگزاری های آلمان و اندکی بعد جهان قرار گرفت به نظر شما علت سرو صدای زیاد این سازمان چیست؟

مینا احمدی: اولاً ما در دنیای مطبوعات توانستیم نوعی از کار و نوعی از کمپین را اعلام کنیم که جلب توجه میکرد، تعدادی زن و مرد از کشورهای اسلام زده ساکن در آلمان، پا پیش گذاشته و با عکس و هویت اصلی خودشان اعلام کردند که از مذهب و از اسلام دست کشیده اند. این در دنیای امروز یک تابو شکنی و یک اعلان جنگ آشکار به اسلامیها و آخوندها بود. به کمک سازمانهای آنتیست آلمانی توانستیم فعالیتهای خودمان را خوب ارگانیزه کنیم و کیفیت کارمان بالا بود، ولی مهمتر از همه بنظر من ما به یک نیاز و به یک خواست پاسخ دادیم. مردم از دست اسلامیها جانشان به لب رسیده و نگران هستند. مردم در عین حال فاجعه عراق را می بینند و به هر دو قطب تروریستی معترض هستند. پاسخ ما به یک معضل در این چهارچوب مهم بود و مورد توجه زیادی قرار گرفت.

سلمان احمدی: پایه های مادی، اجتماعی و سیاسی این حرکت از نظر شما کدامند؟

مینا احمدی: این حرکتی است در دفاع از سکولاریسم، در دفاع از آزادی بیان و عقیده و در دفاع از جهانشمولی حقوق انسانی و ... این حرکت در شرایطی اتفاق می افتد که آمریکا در عراق کاملاً شکست خورده و موجی از اعتراض و مبارزه علیه سیاستهای میلیتاریستی دولت آمریکا در جریان است. در عین حال، شکست جمهوریخواهان در انتخابات اخیر در آمریکا و موجی از انتقاد و اعتراض به هر دو قطب ترور و وحشت در دنیا، زمینه ها و پایه های چنین حرکتی است و به آن قدرت می بخشد.

سلمان احمدی: روی آوری به این سازمان به چه صورت است و تأثیرش مثلاً در بین زنان و دخترانی که هنوز در بند خانواده های اسلام زده گرفتار هستند چگونه بوده است؟

مینا احمدی: ما نامه های زیادی گرفته ایم که

بسیاری از دختران و پسران جوان از آلمان و یا همچنین از سوریه، مراکش، افغانستان، نوشته اند که این حرکت مهم است، که خود اینها دیگر مسلمان نیستند و از ما میخواهند که کمکشان کنیم با ما همکاری میکنند. نامه های بسیاری گرفته ایم که به شجاعت ما درود فرستاده اند. صدها نامه گرفته ایم که نوشته اند حرف دل آنها را زده ایم و دری به رویشان باز شده است. در این مدت تعداد زیادی اعلام حمایت کرده و خواهان همکاری با ما شده اند. صدها نفر هم عضو این سازمان شده اند.

سلمان احمدی: کلا در میان افکار عمومی چگونه؟

مینا احمدی: سازمان ما الان یک نهاد محبوب و مورد توجه در بین افکار عمومی است. یک سازمان مدرن و انسان دوست، با حضور چهار چهره هایی که زنگیشان و فعالیت اشان در دفاع از حقوق انسانی است جایگاه مهمی در سیاست آلمان پیدا کرده است. این سازمانی است علیه ظلمت و تباهی که اسلامیها از آن دفاع میکنند. این سازمانی است در دفاع از حقوق کودکانی که به زور حجاب سرشان میکنند و یا اجازه شنا کردن ندارند و در کلاس های ورزش نباید شرکت کنند. این سازمانی است در نقد دولت آلمان و همکاری آن با اسلامیها و به همین دلیل مورد توجه رسانه ها قرار گرفت و به تبع در افکار عمومی جا باز کرده و سازمانی محبوب است. هر موضوعی به اسلامیها و یا به مردم مهاجر از کشورهای اسلام زده مربوط باشد رسانه ها ناچارند نظر و سیاست ما را بپرسند. جامعه هم این انتظار را دارد که نظر ما را بداند. به این معنا این سازمان در افکار عمومی مردم در آلمان جا باز کرده است.

سلمان احمدی: اما این سازمان مخالف و منتقد هم کم ندارد. مخالفین اساساً از چه طیف های تشکیل می شوند و اصولاً مخالفت آنها چه دلیلی دارد؟

مینا احمدی: مخالفت و تهدید علیه ما اساساً از جناح اسلامیها بوده است. اما تعدادی از جریانات حاشیه ای و فسیل شده "چپ ضد امپریالیست" هم در کنار اسلامیها علیه ما ایستاده اند. در آلمان این نوع چپ ضد امپریالیست اول با دقت نظاره گر بودند، سپس یکی از اینها نقد شداد و غلاظی نوشت از موضع ضد امپریالیستی و در دفاع از اسلامیها، سپس این موضع نقد شد و اکنون تعدادی از همان چپها با من مصاحبه کرده و این نوع نوشته ها را نقد کرده اند. در بین فارسی زبانها با اختلافی پنج ماهه، خبر به گوش دوستان رسید و ما را مورد مرحمت قرار داده و "امپریالیستی و صهیونیستی

... و..." لقب داده اند. اینها از موضع ضد امپریالیستی به طرف اسلامیها غش کردند. این جریانات جدی نیستند. اما جواب به آنها در عین حال جوابی به اسلام شناسان غرب هم هست که با یک یا چند آیه قرآن و چند جمله عربی در کنار اسلامیها قرار دارند و آنها را حمایت میکنند.

سلمان احمدی: نکته ای که از طرف بعضی از این مخالفین که شما هم به آنها اشاره کردید مدام مطرح می شود، همین مسئله مطرح شدن و حضور فعالین این کمپین در مدیایی بین المللی است. اینطور استدلال می کنند که فعالین این کمپین برای حضور در مدیا از "رادیکالیسم" خود کم کرده اند، این چقدر به حقیقت نزدیک است؟

مینا احمدی: این انتقاد بیشتر از روی فرقه گرایی و یا حسودی است. اینها را نباید جدی گرفت. اینها نه جنبشهای اجتماعی میشناسند و نه مشکلاتشان مردم و حقوقشان است. مشکل اینها خوششان و محافظشان است. در دنیا کمتر اتفاق افتاده که کمونیستها در این ابعاد به مدیای بین المللی وارد شده و نقد و حرف خود را بزنند. ما در این مورد برای دیگران هم راه باز کردیم. آنها به جای "انتقاد" بهتر است بیایند یاد بگیرند که چگونه میشود فعالیت اجتماعی کرد. فعالین این عرصه و افکار گل کاشتند و گوششان بدهکار این فریبکاریها و برحوردهای بچگانه نیست. همه رسانه ها میدانند که من عضو حزب کمونیست کارگری ایران هستم و مارکسیست و کمونیستم، با وجود این در مدیا به رویمان باز شده و نمیتوانند فعالیت اجتماعی ما را نادیده بگیرند. سی ان ان به استقبال ما آمد در فرودگاه برلین و ما را تا محل کنفرانس همراهی کرد، بی بی سی، وال استریت ژورنال، کریستین ساینس

مانیتور، اسپیکل، و منتقدین اگر به زبانه های آلمانی و انگلیسی و فرانسه مسلط باشند، میتوانند بخوانند ما چه گفته ایم و چگونه این نقدهای رادیکال ما به شرایط موجود مورد استقبال قرار گرفته است. اگر نقدی به حرفهای ما هست ما هم گوش شنوا داریم اما کسی که ربطی به مشکلات و معضلات این جامعه و این دنیا ندارد و در محافل خود به خلسه فرو رفته چرا باید جدی گرفته شود.

سلمان احمدی: نام این سازمان دست آویزی شده است برای مخالفین تا سازمان را به هویت مذهبی ساختن برای افراد محکوم کنند. چرا نام "اکس مسلم" را انتخاب کردید؟

مینا احمدی: این یک موضوع مورد بحث در بین خود ما از اول بود. ما میتوانستیم اسم این سازمان را سازمان سکولارها و یا آنتیست ها و یا سازمان علیه مذهب و

صفحه ۴

مصاحبه با مینا اهدی...

یا علیه اسلام از سیاسی بگذاریم همه اینها مطرح بود. ولی ما میخواستیم در بین افکار عمومی غرب یک تابو را بشکنیم و هدف ما اساساً علیه اسلام و اسلام سیاسی بود، کدام اسم میتوانست اینرا نمایندگی کند. ما مفسر نبودیم و نیستیم ما به میدان آمدیم که تغییراتی در جامعه ایجاد کنیم. اکس مسلم مناسبترین اسمی بود که به اهداف سیاسی ما برای به عقب راندن اسلامها کمک میکرد. کسانیکه از اسلام نست کشیده و نقد اصلی خود روی اسلام و اسلام سیاسی متمرکز کرده اند که حقوق جهانشمول انسان را تثبیت کنند. این در عین حال توجه مطبوعات را جلب میکرد که کرد. کسانیکه اینرا نقطه ضعف میدانند چیزی از سیاست نفهمیده اند. کسانیکه به بهانه این اسم حملات "ضد امپریالیستی" و پرو اسلامی خود را به ما شروع میکنند درشان کمتر اسم، بلکه اختلافات اساسی با ما و بیربطی اشان به سیاست است.

سلمان احمدی: یا مثلاً گفته میشود که چرا فقط در مورد اسلام حرف میزنید؟ یا اینکه این سازمان دارد آب به آسیاب بورژوازی جهانی می‌ریزد.

مینا اهدی: جنبش و حرکتی که ما به راه انداخته ایم، در مورد همه مذاهب موضع دارد. کسانیکه میتوانند عضو ما بشوند که آنتیست بوده و به هیچ مذهبی تعلق نداشته باشند. در عین حال ما اسم این کمپین را گذاشته ایم ما از مذهب رویگردانیم یعنی در حرکت ما اعلام موضع علیه همه مذاهب مستتر است. ولی این یک حرکت سیاسی علیه یک جنبش سیاسی مهم در این دنیا و در نظم نوین جهانی است. کسی که تفاوت اسلام سیاسی با مثلاً مذهب مسیحیت را نفهمد، از سیاست امروز دنیا چیزی نمی‌فهمد. ما با یک جنبش ارتجاعی و فاشیستی اسلامی امروز مواجه هستیم که سر میرود و سنگسار میکند و فتوای قتل کسانیکه از اسلام دست میکشد را میدهد و نه فقط این، بلکه قتل را سازمان میدهد. پس مبارزه با این جنبش سیاسی مهم است. یک نکته دیگر اینست که این جنبش ساخته دست، "

بورژوازی جهانی" است و بعد از یک دوره وقتی این جنبش سیاسی به منافع دولتهای غربی دست اندازی کرد، اینها با بخش نظامی و میلیتانت این جنبش سرشاخ شده اند و با بخش فکل کرواتانی آن میسازند. ما با کلیت این جنبش با هر دو جناح در حال نبرد هستیم و میدانم چرا با این کار خودمان آب به آسیاب بورژوازی جهانی میریزیم. اینها فقط حرفهای پوچ است و چندان ارزش پاسخ دادن ندارد.

سلمان احمدی: جالب است که این سازمان تا همین الان هم حسابی موی دماغ دولت آلمان شده است. مثلاً همان کیس قاضی دادگاه فرانکفورت که زنی را به دلیل اینکه گویا مسلمان بوده به تحمل اذیت و آزار شوهرش محکوم کرده بود و با افشاگری های سازمان شما و کسانیکه معترض به این حکم بودند منجر به تعلیق قاضی شد. برخورد دولت آلمان با این سازمان و فعالین این سازمان چگونه بوده است؟ و چه سیاستی را در قبال این سازمان در پیش گرفته است؟

مینا اهدی: رسماً چیزی نگفته اند. اما رهبران احزاب دولتی با ما در تلویزیونها وارد مناظره شده و شکست خورده اند. زیر فشار افکار عمومی دولت مجبور شده ما را به رسمیت بشناسد و مناظره تلویزیونی کند. **سلمان احمدی:** بعد از تشکیل سازمان اکس مسلم و سرو صدای کمپین" ما از مذهب روی گردانیم" در آلمان اخیراً این سازمان در اسکندریه ای هم تشکیل شده است. ابعاد فعالیت این سازمان تا کجا خواهد بود؟ آیا در همه کشور ها این سازمان تشکیل خواهد شد؟

مینا اهدی: هدف ما بین المللی تر کردن این حرکت است. در هلند الان تشکیل شده و در اسکندریه ای هم همینطور و روز ۲۱ همین ماه (ژوئیه، یعنی پنجشنبه همین هفته) در انگلیس هم اعلام موجودیت میکند. امیدوارم و تلاش میکنیم شورای جهانی اکس مسلم را تشکیل بدهیم و در سطح بین المللی دستاوردهای بیشتری به دست آوریم. **سلمان احمدی:** به نظر شما پیشرفت این سازمان و جنبشی که نمایندگی می کند چه تأثیری بر جریانات چپ و کمونیستی در اروپا به عنوان محلی که این حرکت دارد در

آن اتفاق می افتد و نیز کشور های اسلام زده می تواند داشته باشد؟

مینا اهدی: به نظر من این جنبش در کشورهای اسلام زده میتواند و باید بسیار بیش از این رشد کند. واقعیت اینست که در ایران و عراق و ترکیه و افغانستان، جنبشی عظیم علیه خالت مذهب و علیه اسلام سیاسی در جریان است. بویژه در ایران این جنبش بسیار قوی است. جنبش ضد مذهبی و ضد اسلامی و ضد اسلام سیاسی میتواند و باید بسیار جلوتر برود و امیدوارم این حرکت ما بتواند در این مورد موثر باشد.

در جنبش چپ و کمونیستی اروپا نیز حرکت ما میتواند موثر باشد ما با نقد معینی از نظم نوین جهانی بعنوان جنبه انسانیت و بشریت متمن در مقابل دو قطب قد علم کرده ایم ما از حقوق انسانی دفاع میکنیم ما جنبشی اومانستی و نوین هستیم که در مقابل چپی است که از فرط ضد امپریالیست بودن به دامن حسن نصرالله پناه برده و آبرویی برای چپ باقی نمیگذارد. ما با اومانسیم و در عین حال سیاست انتقادی شدیدی که داریم توجه ها را بخود جلب کرده و از یک نوع نقد و رادیکالیسم و چپ دفاع میکنیم که از انسانیت در کلیت آن دفاع میکند و علیه پست مدرنیسم و یا ممالشات با جنبشهای ارتجاعی نظیر جنبش اسلامی است و اینها زمینه را برپا رشد چپ فراهم تر میکند. چپ و کمونیسمی انسانگرا و مدرن و مترقی.

سلمان احمدی: بعد از حدود چهار ماه، آیا راضی هستید؟ قدم های بعدی چیست؟ **مینا اهدی:** این یک حرکت مهم بود و من خوشحالم که توانستیم تأثیرات مهمی در مقابله با اسلام سیاسی در آلمان داشته باشیم. ما باید قانون تغییر دهیم ما میخواهیم در آلمان برای ممنوعیت حجاب کودکان، ممنوعیت تدریس مذهب در مدارس، ممنوعیت حجاب بزرگسالان در محیط کار و همچنین ممنوعیت حجاب کودکان در سطح اروپا اقداماتی را انجام دهیم در عین حال ما به دولت آلمان برای باز پس فرستادن پناهنگانی که از اسلام دست کشیده و آنتیست هستند، معترض هستیم و این موارد را به سطح دادگاه اروپا خواهیم کشید.

سلمان احمدی: و اما در پایان، چه

فراخوانی دارید؟ **مینا اهدی:** فراخوان من بویژه به جوانان در ایران این است که این حرکت را به دقت بررسی کنید. مصاحبه ها و مباحثات مربوط به این حرکت را تعقیب کنید و به این جنبش بپیوندید. ایران جامعه ای است که در آن جنبش سکولاریستی و ضد مذهبی بسیار قوی است. به جنبش نقد و طرد مذهب بپیوندید و کمک کنید این جنبش در ایران بیش از پیش پا بگیرد.

ضد دین را

**با ارسال
مقالات، عکسها
نامه ها و
گزارشات خود از
مبارزه بر علیه
اسلام و اسلام
سیاسی ؛ از
همایش ها و
پیوست خود به
اکس مسلم
یاری دهید !!!**

سازمان اکس مسلم در آلمان، مصمم است نمیکند.

شورای مرکزی سازمان اکس مسلم
۲ ژوئن ۲۰۰۷

در این مورد فعالیت کرده و یکبار دیگر نگاهها را به تاریک خانه هایی معطوف کند که جز سازماندهی قتل و ترور و جز دفاع از عقب ماندگی و ارتجاع و پوسیدگی کاری

کرد. **سازمانهای جنایتکار اسلامی که در قلب اروپا قتل ناموسی سازمان داده و با ایجاد فضای رعب و وحشت و با تهدید به ترور این کار را پیش میبرند، باید با اعتراض و نفرت عمومی روبرو شوند.**

از صفحه ۳
اونسارا از پنجره...

ما برای روشن کردن این واقعه و برای شکستن سکوت در این مورد اقدام خواهیم

از صفحه ۱

مبارزه علیه مذهب و ...

دوگانه به این مسئله می پردازد.

علی جوادی در نوشته ای تحت عنوان "دو انحراف در برخورد به کمپین اکس مسلم" با شدت هرچه تامل تر فعالین و رهبران این کمپین را بنا به آنچه ایشان آنرا "مطرح شدن در میدیای غرب و اجتماعی شدن" نام نهاده اند، مورد نقد قرار داده و از طرف دیگر با پذیرش برخی انتقادات از جانب منتقدین تاکنونی اکس مسلم، خود را در مقام قاضی در چگونگی مبارزه علیه مذهب قرار داده است. این سبک و روش در مبارزه سیاسی دیگر خاصیتش بسر آمده و تاریخ مصرف آن از اعتبار خارج شده است.

مواضع و نقطه نظرات علی جوادی هم، همچون منتقدین تاکنونی از حزب "حکمتیست" کاملاً ایدئولوژیک و فرقه گرایانه است. نقد این دوستان اساساً سازمانی، محدود و تنگ نظرانه است. در هیچکدام از نوشته های تاکنونی نقادان کمپین اکس مسلم، کوچکترین موضعی از زاویه یک ضرورت اجتماعی برای یک تعرض همه جانبه و بین المللی از طرف کمونیستها به مذهب علی العموم و اسلام سیاسی بطور اخص در میان نیست. اساس بی خاصیتی این نقدها در همین است. بشریت دنیای امروز در جوامع اسلام زده بطور خاص و در عرصه جهانی بطور عام، از هیولای مذاهب چند گانه به نیستی کشیده شده اند. جامعه جهانی در آتش این توحش و ارتجاع مذهبی و کانگسره های اسلامی دارد می سوزد. آنگاه "کمونیستهای" قرن ۲۱ دارند تئوریهای دروس دانشگاهی را در قالب ذهنیات فرقه ای و بشدت محدود خویش به ترمزی در مقابل این کمپین که رنساسی در دنیای امروز است تبدیل کرده اند. کسی که ناتوان از دیدن بربریت اسلام سیاسی علیه انسان و انسانیت است، کسی که ناتوان از دیدن میلیونها آنتیستی است که با حرکت این کمپین امیدی به این روشنگری در

تاریخ معاصر را دارند، بطور یقین باید در لاک سازمان و فرقه خویش به این کمپین بنگرد. و آنرا "مطرح شدن در میدیا و اجتماعی شدن" نام گذاری کند.

بگذارید این داستان مطرح شدن در میدیا و اجتماعی شدن را خیلی کوتاه پاسخ دهم. تا جاییکه به حزب کمونیست کارگری ایران بر می گردد، باید گفت که این حزب بیشتر از هر جریان و هر گرایش چپ و کمونیستی در ابعاد بین المللی و در عرصه اعتراضات اجتماعی در جامعه ایران فعلاً مطرح هست و این مطرح شدن را باید در ابعاد وسیعتری و در عرصه مبارزه طبقاتی بیش از این ها گسترش دهد. جریان و گرایشی که قصد و همت می کند تا قدرت سیاسی را کسب کند، باید در زمین مادی و واقعی و در جرگه مبارزه طبقاتی به نیرویی مطرح و قابل اعتماد و باور تبدیل شود. فروتنی بدرد خیزش برای کسب قدرت سیاسی و دخیل در میدان سیاست نمی خورد. سنت اپوزیسیون بودن و گروه فشار، در طول تاریخ موجودیتش همیشه "عار داشته است" که به نیرویی مطرح در سطح اجتماعی تبدیل شود. تا آنجا که به سازمان اکس مسلم و کمپین آن بر می گردد، این سازمان تلاش می کند ظرف مبارزه هزاران و میلیونها انسانی باشد که از مذهب و اسلام و اسلام سیاسی متفر و بیزارند.

کمپین سازمان اکس مسلم می خواهد نماینده و سخنگوی فراریان از توحش و جنایات مذهب باشد. اگر این سازمان بتواند این وظیفه انسانی را پیش ببرد، تحول عظیمی را در سرنوشت امروز و آینده جامعه عاصی از مذهب در سراسر جهان ایجاد خواهد کرد. و خواهی نخواهی به جریان و کمپینی مطرح در ورای مرزها تبدیل خواهد شد.

اکس مسلم چوب لای چرخ آن نگذارند، قاعدتا بعنوان جبهه ای قدرتمند علیه مذهب و اسلام سیاسی در جامعه بیشتر از اینها مطرح هم خواهد بود کما اینکه تا کنون این ظرفیت را در پرتو پیشبرد اهدافی که برای خود قرار داده است، فعلاً مطرح هست.

به طبع یک جذابیت اجتماعی در فعالیتی بغایت انسانی، قطعا رسانه ها و میدیا هم ناچار از برسمیت شناختن این حرکت خواهند شد و به طبع پاسخ دادن به نیاز جامعه بشری، می تواند در دنیای سیاست و بخشی از فعالیت جبهه سوم، نقطه امید این جبهه به رهبری کمونیستها باشد و به این اعتبار چنین کمپین و چنین حرکتی می تواند وسیعاً اجتماعی شود.

اما جمله پردازی علی جوادی در بیان این عبارت که اینها می خواهند مطرح و اجتماعی شوند، وارونه است. از نظر ایشان صورت مسئله اینگونه دست چین شده است که چون فعالین این کمپین مطرح نیستند، این سازمان را ایجاد کرده اند تا بلکه مطرح شوند یا اینکه کمونیستهای کارگری خود را اکس مسلم نام نهاده اند تا بلکه مطرح و اجتماعی شوند.

سقوط سیاسی علی جوادی را تا این حد از نزول دادن مسئله ای با این اهمیت پیش بینی نمی کردم. بناچار باید باور کرد که روزی از روزها چنین انسانهایی سطح یک مسئله اجتماعی و گرهی زندگی بشر را تا به این حد مورد تمسخر قرار دهند. و فعالین پیگیر در مبارزه علیه هرگونه شائبه مذهبی را با جملات و عبارات تعنه آمیز سنت شرقی، مورد حمله قرار دهند و به این دل خوش کنند که دارند نقد می کنند.

این چه شیوه تحلیل و نقد و بررسی کردن است؟ علی جوادی و دیگر منتقدان اکس مسلم تمام تلاش و تقلایشان این است تا به خواننده نوشته هایشان بقبولانند که بله تعداد کمونیست در حزب کمونیست کارگری حواسشان نیست و تازه دارند خود را از اسلام برگشته معرفی می کنند. این فرمولبندی، توجیه عوامانه این دوستان در ناتوانی و عدم درک آنان از

دخیل ساختن خویش در این عرصه از مبارزه علیه مافیای مذهب و سازمانهای اسلامی است. علی جوادی و بقیه کسانی که به کمپین اکس مسلم تاخته اند، به گونه ای حیثیتی و ناموسی "من شرم دارم خود را اکس مسلم بنامم" در اینکه گویا کمونیست بودن این آدمها خدشه دار گشته است، و ایشان "عار دارد خود را اکس مسلم بنامد"، دقیقاً با سبک و روشی بغایت اخلاقی و حیثیتی، ما را به باد استهزا گرفته اند.

روی دیگر این سکه "عار داشتن" بی وظیفه گی در قبال اوضاع و شرایطی است که تنها و تنها رسالت این تغییر و دگرگونی، کار انسانهایی است که خود را کمونیست می دانند. کسانی که تا کنون در سطح اجتماعی از این کمپین دفاع کرده اند و جان تازه ای برای فریاد کشیدن بر علیه اسلام سیاسی در وجودشان دمیده است، نظیر علی جوادی و دیگر منتقدین اکس مسلم فکر نمی کنند. نه تنها کمونیست بودن فعالین و رهبران این کمپین از نظرشان کمرنگ نشده است بلکه چنین کسانی را بعنوان کمونیستهای پیگیر و جدی در مبارزه علیه مذهب برسمیت می شناسند.

اتفاقی آستین بالا زدن برای این چنین کار زاری و در دنیای توحش و بربریتی که دارودسته های اسلامی برای انسان و انسانیت مهیا کرده اند، حقایقت کمونیستها را نزد جامعه منزجر از مذهب و نمایندگی کردن صدای بشریت، قابل اعتبار می کند. علی جوادی در یک سخنرانی اینترنتی می گوید که چون فعالین اکس مسلم خود را از مذهب رویگردان معرفی کرده اند، بنابراین کسانی که این کار را نکرده اند به این معناست که گویا هنوز طرفدار مذهب هستند. پرتاب کردن غیر مسئولانه این تزاها فقط برای خاک پاشیدن در چشم دیگران است. راستش هرچه فکر کردم که این مقوله را چگونه آدمی می تواند در وسط یک بحث جدی پرتاب کند، عقلم به جایی خطور نکرد. این قدر نازل فکر کردن و نگرستن به یک معضل اجتماعی از

ضد دین را بدوستان خود معرفی کنید

www.Ex-Muslime.de

از صفحه ۶

مبارزه علیه مذهب ...

خود را دارد پیش می برد. این گردوخاک کردنهای بی ربط هم دیری نخواهد گذشت که بی ربط تر از آن خواهد شد که اکنون وجود دارد. اما منتقدین این کمپین با کمپینی که علیه اکس مسلم راه انداختند، بجز بی اعتباری، وحاشیه ای شدن بیشتر، چیز دیگری را برای خود به ثبت نخواهند رسانند.

8 ژوئن 2007

اجتماعی و تاریخی درقبال انسان و انسانیت که تنها وظیفه کمونیستهاست بسیار ارزشمند و باشکوهتر از آن است که به توجیهای اخلاقی و عقب مانده "عار دارم" مخلوط شود. برای من پاسخ دادن بسیار آسانتر بود که اگر منتقدین تا کنونی از زاویه اجتماعی این حرکت، ضرورت و یا عدم ضرورت آن، به نقد و بررسی می پرداختند. دقیقاً نقطه قوتی که این کمپین دارد این است که دارد به یک تشنگی اجتماعی و انسانی پاسخ می دهد. اما برای چپ آشفته شرقی، با حملات اخلاقی و حاشه ای روبرو است. در خاتمه این را اضافه کنم که این کمپین حرکت موفق

کمپین با موفقیت و اقبال روبرو گشته است. اما متأسفانه این عینک دودی بشدت محدود و تنگ فرقه ای نمی تواند شرایط و اوضاع دنیایی را که میدان تاخت و تاز این جانوران گشته است و دارد انسان و انسانیت را به کام خود می برد، ببیند. ما باید کاری را که ضرورت و نیاز جامعه بشری است به سرانجام برسانیم. ما باید بعنوان کمونیستهایی که امر خود را تغییر و تغییر و باز هم تغییر این اوضاع جهانی است به سر انجام برسانیم. تاریخ در آینده هیچ عذر و بهانه ای را از کمونیستهای ضد مذهب، اسلام و اسلام سیاسی، نخواهد پذیرفت. رسالتی

طرف ایشان و وارونه جلوه دادن مسائل، پاسخ دادن را اندکی مشکل می کند. اگر بهانه گیری های این دوستان و منتقدین نبود، اگر خرده حسابهای حقیر و کهنه نبود، اگر شدت و غلظت مواضع ضد امپریالیستی نبود و اگر تاخت و تاز دو قطب هار و تروریستی در میان آنان فهمیده میشد و از این کمپین دفاع می کردند، دمار از روزگار اسلام و اسلام سیاسی را درآورده بودیم. تا این مرحله نیز علی رغم ایجاد این صف حائل فلسفی و نظری بی مایه مخالفین این کمپین، تا حدود زیادی این

از صفحه ۱

آدرسهای تماس:

Council of Ex-Muslims of Britain
BM Box 1919
London WC1N 3XX
UK

e-mail: ex-muslimcouncil@ukonline.co.uk

telephone: 07719166731

website: www.ex-muslim.org.uk

Spokesperson:

Maryam Namazie

www.maryamnamazie.com

۶. ما خواستار لغو تمامی مراسم مذهبی و فرهنگی محدود کننده و عقب مانده که در مغایرت با استقلال و اراده آزاد زنان است میباشیم. ما همچنین خواستار لغو هر گونه جدایی بر اساس جنسیت هستیم.

۷. ما خواستار لغو هر گونه دخالتگری مراجع افراد خانواده و بستگان و یا مراجع قانونی در زندگی خصوصی زنان و مردان و اوامر شخصی احساسی و روابط و تمایلات جنسی آنان هستیم.

۸. ما خواستار حمایت از کودکان در برابر هر گونه تجاوز به حقوقشان و سو استفاده از آنان توسط مذاهب و مراکز مذهبی هستیم.

۹. ما خواستار ممنوعیت هر گونه حمایت مالی مادی و اخلاقی دولت و مراکز دولتی از مذهب فعالیتهای مذهبی و مراکز مذهبی هستیم.

۱۰. ما خواستار ممنوعیت هر گونه ارباب و تهدیدهای مذهبی هستیم.

در راستای اهداف شورای "ما از مذهب روی گردانیم" در آلمان در بریتانیا نیز:

۱. ما خواستار حقوق جهان شمول و برابر برای همه شهروندان هستیم. ما مخالف نسبت فرهنگی تحمل اعتقادات ضد انسانی تبعیض و تجاوز به حقوق انسانها تحت لوای احترام به مذهب و یا فرهنگ هستیم.

۲. ما خواستار آزادی انتقاد از مذهب هستیم. همچنین خواستار ممنوع کردن محدودیت آزادی بدون قید و شرط انتقاد و اظهار نظر در مورد مذهب تحت لوای "حرمت" به مذاهب هستیم.

۳. ما خواستار آزادی مذهب و همچنین آزادی بی مذهبی و بی خدایی هستیم.

۴. ما خواستار جدایی مذهب از دولت قانون و آموزش و پرورش هستیم.

۵. ما خواستار ممنوعیت مراسم و عادات مذهبی احکام و فعالیتهای عقب مانده مذهبی که تماماً در مغایرت با آزادی و حقوق انسانی است هستیم.

با مذهب - خرافات - و تمامی مظاهر آن که زجر انسانها را در چنگال دارد با ید مبارزه کرد



شورای مرکزی اکس مسلم در انگلستان



کمپین نجات جان کبرا رحمانپور، از رم تا تهران!

در ایران و دنیا گرفته ایم. عجز و لایه و تقاضای " عفو " کردن از شاهرودی و دیگر جنایتکاران حاکم بر ایران در قلموس مبارزه علیه اعدام نمی گنجد. به این هنرمندان عزیز که بسیار دیر جنبیده اند، باید گفت: لطفا مقررات بازی را رعایت کنید. حکومت جنایت پیشه اسلامی را فقط و فقط با اعتراض و مبارزه میتوان و باید عقب نشاند و التماس و ندبه و زاری در این مبارزه جایی ندارد.

کمیته بین المللی علیه اعدام

23.06.2007

manochemasori@yahoo.com

www.adpi.net

Tel: 0046704917494

اند. صرف نظر از این که امضاء کنندگان چه کسانی هستند و همچنین هر چند این نامه بسیار دیر و بعد از سالها که از کمپین سراسری و جهانی نجات جان کبرا می گذرد، نوشته شده است. و هر چند در لحن آن نشانی از اعتراض به اعدام های گسترده در ایران نیست، اما باید نوشتن همین نامه را به فال نیک گرفت و امیدوار بود که جنبش گسترده مردم علیه اعدام در ایران هنرمندان و چهره های اجتماعی بیشتری را به اعتراض به احکام اعدام و سنگسار در ایران و ادار کند.

تکر یک نکته اما در این مورد ضروری است. ما از جنایتکاران حاکم بر ایران، حکم آزادی نازنین فاتحی و یا توقف حکم اعدام کبرا و شهلا و دهها نفر دیگر از سنگسار و اعدام را با مبارزه و با اعتراضات گسترده

اعدام است. به گواه نامه ها و تلفن های که بعضی از روزنامه های ایران انعکاس می دهند. مردم ایران خواهان توقف حکم اعدام کبرا و آزادی وی هستند. مردم داوطلبانه چندین بار اقدام به جمع آوری پول برای پرداخت به خانواده مقتول کرده اند. تعدادی با خانواده مقتول تماس گرفته اند و تلاش کرده اند که بخشش کبرا را بگیرند. همه این تلاشها نشان می دهد که کبرا رحمانپور در دل مردم جای دارد. جمهوری اسلامی باید در برابر افکار عمومی و خواست میلیونها انسان در ایران و جهان سر خم کند و به خواست آزادی کبرا تن دهد.

روزنامه اعتماد در گزارشی خبر از ارسال نامه ای از سوی 200 هنرمند به شاهرودی می دهد. در این نامه این 200 هنرمند داخل کشور خواستار آزادی کبرا رحمانپور شده

در اطلاعیه مورخ بیستم ماه جون 2007 به اطلاع رسانیم که کمپین کبرا یکی از گسترده ترین کمپین های بین المللی علیه اعدام ها در ایران است. در این اطلاعیه اشاره کردیم که چگونه صدها هزار نفر در ایتالیا با امضاء نامه اعتراضی به دولت جمهوری اسلامی خواستار آزادی وی شده اند. هنرمندان، سیاستمداران و چهره های سرشناس جامعه ایتالیا از کمپین نجات جان کبرا نفاع کرده اند. همچنین به فعالیتهای گسترده ای که کمیته بین المللی علیه اعدام و سازمانهای مدافع حقوق زنان، حقوق بشر و مخالفان اعدام و سنگسار برای نجات جان کبرا، اشاره کوتاهی کردیم.

کمپین دفاع از جان کبرا رحمانپور از خطر اعدام، در ایران یکی از شناخته شده ترین، وسیعترین و احساسی ترین کمپین های علیه

اعدام شنیع ترین رفتار با انسانها در دنیا است . اعدام، قتل عمد است و باید در سراسر جهان بر علیه آن و برای لغو آن مبارزه کرد . سنگسار یک بربریت آشکار علیه انسان است. سنگسار یکی از انواع مجازاتهای شنیع اسلامی است که در مورد زنان و یا مردانی که رابطه جنسی خارج از ازدواج داشته اند اجرا میشود. سنگسار اعدام توأم با شکنجه و یک عمل ضد انسانی و وحشیانه است و در سراسر جهان بعنوان نمونه بارز توحش و جنایت علیه بشریت محکوم است . قوانین قصاص و سنگسار باید به عنوان قوانین قرون وسطایی و دوران توحش لغو گردد .

درگیری مردم معترض با پلیس در شهر های زیادی از ایران ادامه دارد

بنا به اخبار رسیده درگیری های مردم با مامورین حکومتی به خاطر مسئله بنزین همچنان ادامه دارد.

در بسیاری از شهر ها مردم با نیروهای پلیس و یگان های ضد شورش درگیر شده اند و به پمپ بنزین ها و ساختمان های دولتی و بانک ها و فروشگاه های بزرگ حمله کرده اند. در بسیاری نقاط از جمله یاسوج و تهران اراک و مشهد درگیری بین مردم معترض و پلیس باعث کشته و زخمی شدن تعدادی از مردم شده است. موج اعتراضات در کشور بسیار گسترده شده و مردم شهر های زیادی به این اعتراضات پیوسته اند، از جمله یاسوج، کازرون، اراک، آبادان، ایلام، مشهد، اهواز و تبریز. مردم در تبریز کنترل پمپ بنزین ها را به دست گرفته اند و بنزین را با قیمت ۸۰

تومان و بدون کارت توزیع می کنند. مردم در شهرهای مختلف علیه احمدی نژاد و خامنه ای و حکومت اسلامی شعار می دهند. در اصفهان و تهران درگیری بین مردم معترض و نیروهای حکومتی بسیار شدید بوده و گفته می شود تعدادی از مردم در اثر شلیک مستقیم گلوله پلیس کشته شده اند. در یاسوج نیز تعدادی از مردم کشته و زخمی و تعدادی از نیروهای انتظامی نیز مجروح شده اند. پلیس راهنمایی و رانندگی نیز همراه با پلیس یگان ویژه به سرکوب مردم پرداخت و مامورین لباس شخصی بین مردم دنبال عاملان آتش زدن و تخریب پمپ بنزینها میگشتند. فعلا همه جا و بین تمام اقشار مردم صحبت از بنزین است و همه به صورت علنی با همدیگر در این مورد از دید انتقادی و اعتراض آمیز صحبت

میکندند و در مورد پولهایی که از این راه به جیب جمهوری اسلامی سرازیر میشود و برای اهداف سیاسی صرف میگرد صحبت میکنند.

برای کسب اطلاعات ، اخبار لحظه به لحظه و دیدن تصاویر و فیلم های اعتراضات مردم می توانید به آدرس [http://sjk-](http://sjk-news.blogspot.com) مراجعه کنید.



فراخوان به جهان متمدن علیه بربریت، اعدام و سنگسار اعتراض کنید

در شش ماهه اول سال میلادی ۲۰۰۷ صدور و اجرای احکام اعدام و سنگسار در ایران در یک مقایسه ساده و آماری با شش ماهه اول سال ۲۰۰۶ به طرز نگران کننده ای به شدت افزایش یافته است.

سازمان عفو بین الملل، سازمان دیده بان حقوق بشر، گروه ها و سازمانهای مدافع حقوق بشر بین المللی و تعدادی از نمایندگان پارلمان ها و دولت های اروپایی، نگرانی خود را از افزایش صدور و اجرای احکام اعدام در ایران اعلام کرده اند. صدور حکم اعدام برای تعدادی از زندانیان سیاسی، حکم سنگسار کبرا نجار، دستور اجرای حکم سنگسار مکرمه ابراهیمی و دوست پسرش، صدور حکم اعدام برای هفده نفر دیگر و اجرای حکم اعدام ۲۱ یکفرد در طول خرداد ماه سال جاری، تأیید و اعلام تاریخ اعدام زندانی سیاسی، خالد حردانی، تنها گوشه ای از جنایات جمهوری اسلامی در ماه گذشته است که به روزنامه ها و بیرون از حکومت درز کرده است.

اخبار تأیید نشده حکمیت از تعداد بسیار بیشتری از اجرای احکام اعدام در ماه گذشته دارد.

دولت جمهوری اسلامی از سال ۲۰۰۴ تا کنون ۱۷ کودک زیر ۱۸ سال را اعدام کرده است. این در حالی است که اکثریت مطلق کشورهای دنیا اعدام کودکان و نوجوانان زیر ۱۸ سال را ممنوع کرده اند. کمیته بین المللی علیه اعدام، صدور و اجرای احکام اعدام را به شدت محکوم می کند. ما با تمام توان خود در یک تلاش بین المللی هماهنگ با سازمان عفو بین الملل و دیگر سازمانهای مدافع حقوق بشر سعی خواهیم کرد که بیشترین فشار بین المللی را به جمهوری اسلامی برای توقف این اعدام ها و سنگسارها، بیابوریم. خوشبختانه در مقابل این جنایات

جمهوری اسلامی یک جنبش گسترده و بین المللی علیه اعدام ها و سنگسارها وجود دارد. در همین هفته گذشته عکس العمل بین المللی و سراسری علیه اجرای سنگسار مکرمه ابراهیمی و دوستش باعث شد که جمهوری

کمیون جلب کرده است.

ما با تمام قوا تلاش می کنیم که این عقب نشینی را به جمهوری اسلامی تحمیل کنیم. ما به جهان متمدن فراخوان می دهیم که برای توقف اعدام های گسترده در ایران صدای

فشار های همه جانبه عقب نشینی های بیشتر به جمهوری اسلامی تحمیل کرد

کمیته بین المللی علیه اعدام
23.06.2007



اعتراض خود را بلند کند.

عکس العمل به موقع ما باعث شد که دولت نروژ در رابطه با سنگسار مکرمه ابراهیم و دوستش اعتراض کند. اعتراض ما و دیگر سازمانهای بین المللی تأثیر به سزایی در عقب نشینی جمهوری اسلامی داشت. این تجربه مثبت نشان می دهد که عکس و العمل به موقع می تواند جمهوری اسلامی را به عقب براند. ما از همه سازمانها، گروههای مدافع حقوق بشر میخواهیم که دولتها و پارلمانهای اروپایی را وادار کنند که به این احکام اعتراض کنند. ما از همه مخالفین مجازات اعدام می خواهیم که سریعتر و روشنتر علیه احکام اعدام و سنگسار در ایران موضع گیری کنند. می توان و باید با

اسلامی به سرعت عقب نشینی کند و دستور توقف اجرای سنگسار را صادر کرد. برای نجات جان کبرا نجار و خالد حردانی هم یک کمیون ویژه در دستور ما بوده است که به سرعت همه گیر شد و تعدادی از نمایندگان پارلمانها و دولت های اروپایی از این کمیون حمایت کرده و اعتراض خود را به این احکام اعلام کردند. هم اکنون کمیون وسیع و گسترده ای علیه اعدام کودکان و نوجوانان در ایران در جریان است. کمیته بین المللی علیه اعدام یکی از جریانات اصلی فراخوان دهنده این کمیون است. هم اکنون بسیاری از سازمانها و گروه های مدافع حقوق بشر بین المللی به این کمیون پیوسته اند. کمیته بین المللی علیه اعدام حمایت تعدادی از نمایندگان پارلمان اروپا و کشورهای اروپایی را از این

به ما
بپیوندید

<http://www.ex-Musli-me.com/Persian/ozviat.htm>

با مراجعه به لینک
بالا میتوانید آنلاین
به عضویت سازمان
اکس مسلم در آید.

www.Ex-Muslime.de

مذهب و نیروهای اجتماعی اش از اصلی ترین ارگانهای سرکوب
طبقات حاکم است

گزارشهای روزانه از آلمان ۱۳

کمپین علیه اسلام سیاسی گسترده تر میشود!

محمد آسنگران

سازمان اکس مسلم و کمپین ما از مذهب رویگردانیم، در یک ماه اخیر فعالیتها و تلاشهای متعددی داشته است. متأسفانه به دلیل سرشلوغیهای دیگر گزارش آنها به زبان فارسی به تعویق افتاد. در بخشی از آن فعالیتها که به دست من رسیده است را اینجا به اطلاع میرسانیم:

جنبش گسترده علیه اسلام سیاسی به پیش میرود. امروز دیگر بسیاری متوجه تغییر فضای سیاسی به نفع انتقاد و اعتراض به نسبییت فرهنگی و به نفع حقوق کودکان و اعتراض به سیاستهای سازشکارانه با اسلامها و .. شده اند. در آلمان، کمتر نشریه و مجله مهمی هست که در هفته یک مطلب و یا نقاد به گوشه هایی از جنایت اسلامها و یا دخالت مذهب در زندگی مردم را نداشته باشد. مجله "اشترن" در سرمقاله این هفته خود به تروریسم اسلامی در عراق پرداخته ، چرا که خبرنگار این مجله در موصل به قتل رسیده است. زن خبرنگاری که عرب بوده و در آنجا با اشترن کار میکرد بارها از سوی اسلامها به قتل تهدید میشود، بدلیل همکاری با "بیگانگان" و "دشمنان اسلام" و بالاخره به قتل میرسد و همین باعث شده است که سردبیر اشترن، به اسلامها حمله کند و بنویسد. نوشته اند خبرنگار مجله اشترن در ۷ ژوئن به قتل رسیده است، چرا که باندهای اسلامی میگویند، "زن و مرد نباید برابر باشند، انسانها نباید حق ابراز عقیده و بیان داشته باشند و در یک سالاد خیار و گوجه فرنگی را نباید با هم قاطی کرد...." در مجله اشپیگل هفته اول ژوئن تیتر اصلی یک این است "خدا مقصر همه چیز است" و در تلویزیون آلمان در مورد آنتیسم نو، میزگرد میگذارند.

ما قبلا هم گفتیم که نوشته های داوکیدز و اشمیت سالومون با علاقه و به وسعت و با ولع خوانده میشود و بحث و مجادله در مورد استراتژی مبارزه با مذهب و از جمله اسلام سیاسی در کشورهای مختلف مطرح است و در این فضا خوشبختانه جنبش آنتیستی و کمپین نه به مذهب و نه به اسلام سیاسی،

خود را گسترش میدهد.

۱- روز پنج ماه ژوئن مینا احدی به دعوت سازمان عفو بین الملل در شهر زیگن آلمان بر علیه قتل عمد دولتی (اعدام) و بر علیه سرکوب مردم در ایران سخنرانی کرد و کمپین اکس مسلم را معرفی نمود. مجله سازمان عفو بین الملل و آستا دانشگاه در زیگن از این جلسه گزارش تهیه کردند.

۲- روز ۱۱ ماه ژوئن به دعوت دانشگاه گوته در فرانکفورت، مینا احدی با سه نفر دیگر از جمله: یورگ لاوو از روزنامه دی تسایت، ورنر شیف هاوتر از موسسه دانشگاه اروپا و یادرینا "اسلام شناس" از فرانکفورت، فردیناند سوترلوتی و گرداننده بحث پتر کمپر از رادیو و تلویزیون هسایش روند فونک بود تیتر این جلسه "بن بست انتگراسیون" در آلمان بود و در این جلسه مباحثات داغی در گرفت. در مورد نقش راسیسم دولتی و همچنین یک تازی سازمانهای اسلامی و کمک آنها به گوسازی و ساختن جامعه موازی در آلمان و نقش منفی آنها در انتگراسیون در جوامع اروپایی. روزنامه فرانکفورتر آگماینه در مورد این جلسه گزارشی نوشت با این مضمون:

هیچ جلسه ای به اندازه این جلسه نمیتوانست نشان بدهد که گسست زمان اتفاق افتاده است. یک زن به اسم مینا احدی در مقابل مردانی که از زمان گذشته دفاع میکردند تلاش کرد رو به آینده نشان بدهد که زمان نسبییت فرهنگی و تئوریهایی پست مدرنیستی به پایان رسیده است.

۳- در روزهای اول ماه ژوئن بحث ساختن مسجد در محله "اهرن فلد" کلن در گرفت. در این مورد نویسنده معروف رالف جردانو مصاحبه ای کرد و ساختن مسجد را محکوم کرد. او از سوی اسلامها به مرگ تهدید شد و بحث بالا گرفت. مینا احدی و سازمان اکس مسلم با نوشتن نامه سرگشاده ای به رالف جردانو در این مورد موضع گرفت. و علیه اسلامها از رالف جردانو که یکی از کمونیستهای باقیمانده از دوران جنگ جهانی دوم است دفاع کرد.

<http://hpd-online.de/node/2029>

<http://www.politicallyincorrect.de/2007/06/offener-brief-an-ralph-giordano-von-mina-ahadi>

۴- روز ۴ ماه ژوئن آرزو توکر در

روزنامه تاتس مقاله ای نوشت در نقد ساختن مسجد در "اهرن فلد" و به مناظره با فاروق سن از مدافعین ساختن مسجد پرداخت. ۵- روز ۱۰ ژوئن آرزو توکر در یک مناظره تلویزیونی در تلویزیون سراسری آلمان "WDR" در مورد ساختن مسجد شرکت کرد. در این گفتگو نماینده ای از کلیسا و یک زن وکیل محببه از ترکیه و همچنین کریستینا فون براون از مدافعین حجاب نیز حضور داشتند.

۶- روز ۱۶ ماه ژوئن به دعوت اتحادیه کارگری وردی مینا احدی در شهر نویس آلمان سخنرانی کرد. در این جلسه در مورد اسلام سیاسی در آلمان و فعالیتهای سازمانهای اسلامی بحث مفصلی شد. روزنامه اصلی شهر نویس در این مورد گزارشی به چاپ رساند.

۷- روز ۱۹ ژوئن آرزو توکر معاون رئیس سازمان اکس مسلم در آلمان در برنامه "کورر گفراگت" از تلویزیون WSR حضور داشت و بحث روی مسجد و جنبش اسلامی متمرکز بود. تیتر این برنامه این بود: مساجد نو در آلمان، کمکی به اسلامها! "میکیلی بیت سولد" از حزب سوسیال دمکرات که برای مسجد کمک مالی داده است. "هنریک ام" نویسنده و منتقد اسلامها، "هیلال سزگین" مدافع اسلامها و نویسنده نیز در این مناظره حضور داشتند.

<http://www.swr.de/quergefragt/2007/06/20/index.html>

۸- در اعتراض به تهدیدات جانی "رالف جردانو"، تعداد زیادی از منتقدین اسلام سیاسی با امضا یک طومار اعتراضی نفرت و انزجار خود را از تهدید منتقدین اسلام و اسلام سیاسی ابراز کردند. در یک سایت اینترنتی هم اکنون نیز بر علیه ساختن بزرگترین مسجد در آلمان و بر علیه این تهدیدات طومار اعتراضی جمع آوری میشود.

<http://www.petitiononline.com/dreinein/petition.html>

۹- میزگرد تلویزیونی میثاتیل سالمون در تلویزیون کانال یک آلمان ARD همراه یکی از مسئولین سازمانهای اسلامی، یک مدافع کلیسا و یک کشیش کلیسایی و یک نفر از کتیشان سابق که از سال ۱۹۹۷ آنتیست شده است و یک نفر مدافع خدا و مذهب، این میزگرد به اسم "تلاش علیه خدا" بود.

و....

اعلام موجودیت سازمان اکس مسلم در بریتانیا

۱۰- به دنبال اعلام موجودیت سازمان اکس مسلم و کمپین ما از مذهب رویگردانیم در اسکاتلندیلوی روز ۲۱ ماه ژوئن در لندن سازمان اکس مسلم در بریتانیا اعلام موجودیت کرد. این برنامه با استقبال مطبوعات روبرو شد. مریم نمازی سخنگوی این حرکت در انگلستان با خبرگزاری رویتر مصاحبه کرد و این مصاحبه در سایتهای مختلف منعکس شد. در سایت اینترنتی گاردین در مورد مانیفست این گروه، نویسنده معروف انگلیسی نوشت: نوری در تاریکی درخشید و این مانیفست بشریت میتواند باشد و.....

در کنفرانس مطبوعاتی ۲۱ ماه ژوئن که در محل پارلمان انگلیس بود، خبرنگارانی از گاردین، دیلی تلگراف، ایندی پندنت، صدای امریکا، اسلام کانال و غیره حضور داشتند. در این جلسه مریم نمازی مینا احدی، مهین علیپور، و مسئولین سازمان سکولاریستها و اومانیتسهای انگلیس حضور داشتند و سخنرانی کردند. تعدادی از لینکهای زیر را جهت اطلاع خوانندگان در پایان اطلاعیه درج میکنم. برای دیدن لینکهای بیشتر میتواند در google با وارد کردن کلمه:

Ex muslim Marynmamazi

ابعاد این کمپین را مشاهده کنید.

۱۱- روز یکشنبه ۲۴ ماه ژوئن، به دعوت رادیوی بی بی سی کانال ۴ مریم نمازی با "امام ایمل مسرور" از جامعه اسلامی بریتانیا در یک مناظره مهم شرکت کرد. این برنامه که میلیونها نفر شنونده دارد، در ساعت هفت صبح روز یکشنبه با سوالات و عکس العملهای زیادی از سوی شنوندگان روبرو شد.

لینک این برنامه را نگاه کنید:

<http://www.bbc.co.uk/radio/aod/mainframe.shtml?http://>

www.bbc.co.uk/radio/aod/radio4_aod.shtml?radio4/sunday

۱۲- روز ۲۵ ماه مه ۲۰۰۷ روزنامه مجارستانی مصاحبه ای با مینا احدی را در مورد کمپین اکس مسلم و اهداف آنرا چاپ کرد. لینک آن را در زیر میبینید:

<http://www.magyarhirlap.hu/cikk.php?cikk=131219>

از صفحه ۱۰

گزارشهای روزانه از آلمان ۱۳

۱۳- روزنامه یولند پستن از دانمارک مصاحبه ای با مراد شیخی و مینا احدی در مورد فعالیتهای علیه اسلام سیاسی و در دفاع از آزادی بیان را پخش کرد

۱۴- کمپین علیه اسلام سیاسی در کشور دانمارک با عکس العمل و توجه ویژه ایی روبرو شد. مراد شیخی مصاحبه هایی با روزنامه پلیتیکن، تلویزیون سراسری دانمارک و چندین رسانه این کشور داشته است.

۱۵- در سوئد افسانه وحدت در یک گفتگوی رادیویی حضور داشت و با چندین نفر در مورد کمپین اکس مسلم مناظره ای انجام داد که با استقبال روبرو شد.

۱۶- در فنلاند و نروژ عبدال گلپریان و صابر رحیمی فعالین این کمپین مصاحبه هایی با رسانه های این کشورها انجام داده اند اما خبر دقیق آن بدست من نرسیده است.

۲۵ ژوئن ۲۰۰۷

درمورد نامه سرگشاده مسعود

رازی به مینا احدی



محمد آسنگران

مسعود عزیز سلام!

نامه شما را یکی از دوستانم برایم فرستاد. من در مشورت با مینا احدی این نکات را در جواب نامه ات مینویسم. دلیل این کار این است مینا سرش شلوغ است و مدتی است جواب نامه های فارسی زبان به من سپرده شده است.

بسیار خوشحالم که شما خودت را یکی از اعضای این سازمان میدانید و اگر کمبودی در کار جواب دادن به تقاضای عضویت شما بوده است همینجا باید بگویم متاسفم. یکی از دوستان ما "پترا دا هلم" جواب به تقاضای عضویت ها را به عهده دارد و خوشبختانه توانسته است در هفته های اخیر

همه تقاضاها را جواب دهد و اکنون نیز روزانه که تقاضای چندین عضویت به دست ما میرسد، بطور مرتب پاسخها را میدهد. ما در موارد دیگری هم با مشکلات متعددی روبرو هستیم که تلاش کرده و میکنیم که این کمبودها را برطرف کنیم.

اما در مورد محتوای انتقادی نامه ات: من با بسیاری از انتقادات شما توافق دارم. توقعات درستی از ما مطرح کرده اید. در عین حال میدانید که ما یک سازمان نو پا هستیم. به محض اعلام موجودیت این سازمان در یک دریا باید شنا میگردیم که تا این مقطع شنا در این آب عمیق و وسیع را تجربه نکرده بودیم. این اولین بار بود که یک جریان چپ تا این حد مورد توجه جامعه و رسانه ها قرار میگرفت. مینا حتی از صدها نامه ای که گرفته است نتوانسته به نصف آنها هم جواب بدهد. میدانیم که این یک کمبود جدی است. اما نامه های آلمانی زبان به عهده خودش است و متاسفانه به دلیل سرشلوغی بیش از حد این کار به کندی پیش میرود.

در عین حال باید بگویم ما در انگیزه کردن و یا سازمان دادن این فعالیت اجتماعی و

وسیع و با این سرعت بسیار شدید، کم تجربه بودیم. این کمبودها در رابطه با کمک مالی، تشویق دوستان به فعالیت، سازمان دادن علاقه مندان و ... هم خودش را نشان میدهد. ما کمبودهای کارمان را شاید بیشتر از هر کس میدانیم و میبینیم. اما با نیروی محدودی که داریم، تنها کاری که در اولویت گذاشتیم و توانستیم تا حدودی به آن جواب بدهیم آمادگی برای جواب گویی به سوالات محوری و گزارشات و مصاحبه ها و میزگردهایی بود که رسانه ها و جامعه از ما انتظار داشتند. در عین حال میدانم که انعکاس رسانه ای به نسبت اول کم شده و این امری طبیعی است.

اما نوع فعالیت ما اکنون بیشتر در سمینارها، جلسات تخصصی در دانشگاهها، انستیتوهای مختلف و رایزنیهایی پیش میرود که عمیقتر، تخصصی تر و همه جانبه تر است. رسانه ها گوشه هایی از آنرا منعکس میکنند. در عین حال در همین مدت ما درگیر راه اندازی شعبه های اسکاتلندی، و انگلیس این سازمان و کمپین بودیم. بنا بر این میبینید که کار ما تازه شروع و گسترش یافته است. اکنون در موقعیتی قرار گرفته ایم که

صفحه ۱۶

لینکهای زیر از رسانه های بریتانیا، فعالیتهای مریم نمازی و دیگر سکولاریستها را نشان میدهد:

<http://www.scoop.co.nz/stories/HL0703/S00426.htm>

<http://www.igmg.de/index.php?mod-ule=ContentExpress&itmid=1&func=display&ceid=2924>

<http://www.maryamnamazie.com/calendar/calendar.html>

<http://tate.wordpress.com/2007/03/17/the-secular-islam-summit/>

<http://blog.martinsgill.co.uk/archives/47>

<http://donklephant.com/2006/02/28/choose-freedom/>

<http://lamist.wordpress.com/2007/06/18/the-council-of-ex-muslims-of-britain/>

<http://www.butterfliesandwheels.com/articleprint.php?num=115>

http://islam-watch.org/MNamazie/Veiling_Sexual_Apartheid.htm

<http://www.islamophobia-watch.com/islamophobia-watch/2007/6/18/launch-of-the-council-of-ex-muslims-of-britain.html>

<http://khalas.wordpress.com/about/>

http://keesjemaduraatje weblog.nl/keesjemaduraatje/2007/06/exmoslims_in_gr.html

<http://dailyatheist.blogspot.com/>

<http://www.indonesia.faithfreedom.org/forum/viewtopic.php?p=184216&sid=ff39640ef338243cd8ed237e358d412>

<http://www.dutch.faithfreedom.org/forum/viewtopic.php?p=97482&sid=5e24968a3d9bbbb7fb14cb104ea75773>

http://www.youtube.com/watch?v=k_3VvZkwujI

<http://www.newhumanist.org.uk/>

<http://ahmedismailbrahim.wordpress.com/2007/06/18/launch-of-the-council-of-ex-muslims-of-britain-a-cheap-way-of-attracting-ex-muslims-to-join-the-war-on-islam/>

<http://www.iranian.com/Namazie/2006/October/Khatami/index.html>

<http://www.scoop.co.nz/stories/WO0706/S00319.htm>

http://commentisfree.guardian.co.uk/ac_grayling/2007/06/

<http://uk.news.yahoo.com/rtrs/20070620/tts-uk-europe-islam-b452e6f.html>

<http://news.scotsman.com/latest.cfm?id=967842007>

http://www.nowpublic.com/council_of_ex_muslims_launches_manifesto

<http://www.islam-watch.org/MNamazie/Ex-Muslims-Council-of-Britain.htm>

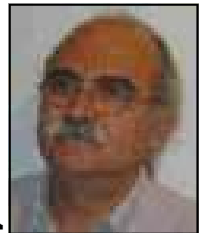
http://news.bbc.co.uk/2/hi/uk_news/6224702.stm

<http://fulhamreactionary.blogspot.com/2007/06/british-ex-muslim-group-formed.html>

<http://sugiero.blogspot.com/2007/06/launch-of-council-of-ex-muslims-of.html>

نکاتی درباره مساله مذهب و شیوه برخورد به آن

"ضد دین" از این پس در پاورقی هائی به معرفی برخی آثار مکتوب درباره مذهب اسلام سیاسی خواهد پرداخت.
مقاله زیر - " نکاتی درباره مساله مذهب و شیوه برخورد به آن " از حمید تقوایی اولین سری از این مقالات است. این مقاله در تاریخ بهمن ۱۳۶۲ منتشر شده است و در دو قسمت در اختیار خوانندگان قرار خواهد گرفت .



حمید تقوایی

به اسلام و بکارگرفتن احکام و قوانین فقهی و شرعی در تحمیق و سرکوب توده ها و ایجاد جو ترور و اختناق در جامعه است، برای نیروهای اپوزیسیون غیر پرولتری این رژیم نیز، از مجاهدین و شورای ملی مقاومت گرفته تا لیبرالهای بازمانده از نهضت آزادی و جبهه ملی و سلطنت طلبان آشکار، اسلام حاکم مطلوبیت ویژه خود را دارد. این نیروها در دعوی بین خود و "حکومت آخوندی" خمینی که یک دعوی درون خانوادگی بورژوازی است، از اسلام حاکم به مثابه پرده استتار ماهیت طبقاتی رژیم و همچنین پوشاندن ماهیت و اهداف طبقاتی خود سود می برد.

سلطنت طلبان آشکار پرچم پوسیده و مضحک شوینیسیم فارس در مقابل اعراب و مذهب عربی اسلام را بدست گرفته اند، لیبرالهای سنتی یا سلطنت طلبان شرمگین شعار " جدایی مذهب از دولت " را تا حد محکوم کردن هر نوع حکومت مبنی بر ایندولوزی کش داده اند و بالاخره مجاهدین و شورای ملی مقاومت، این لیبرالهای تازه بدوران رسیده، "اسلام نموکراتیک رجوی" را در مقابل "اسلام خمینی" علم کرده اند.

اما وجه مشترک نقد تمام این نیروها از رژیم عبارت است از پنهان داشتن ماهیت بورژوازی - امپریالیستی رژیم جمهوری اسلامی از چشم توده های طبقه کارگر، تبرئه کردن بورژوازی و امپریالیسم و جهت دادن به تمامی نارضایتی ها و مخالفت ها به سمت شخص خمینی و اسلام نوع خاص خمینی . آنها در تبلیغات عوامفریبانه خود تمام جنایات و دد منشی های بورژوازی جمهوری اسلامی و تمامی مشقات و بی حقوقی های اقتصادی و سیاسی که این رژیم به توده های مردم تحمیل کرده است را به "جالیبت خمینی و سفاهت فقه" ، "روحانیت مرتجع" ، "ولایت فقیه" و خلاصه آنچه مایلند تحت عنوان "آخوندیسیم" حساب آنرا از مذهب اسلام جدا کنند، نسبت می دهند تا با به پایان رسیدن عمر متحضر جمهوری اسلامی از یکسو نظام سرمایه داری و حاکمیت بورژوازی در ایران و از سوی دیگر نقش و عملکرد مذهب در حراست و پاسداری از این نظام همچنان محفوظ و مصون بماند . امپریالیسم و سرمایه داری برای حفظ حاکمیت و سلطه خود از یکسو به اعمال دیکتاتوری وحشیانه و کشتار و سرکوب تحت لوای مذهب و از سوی دیگر به پرده پوشی از ضرورت و خصلت طبقاتی این

کشتار و سرکوب و پنهان داشتن نقش واقعی مذهب در این میان نیازمند است و از این رو هم "اسلام فقهاتی خمینی" و هم "اسلام رجوی و بنی صدر" ، هم "حکومت بوسپله آخوندها" و هم محکوم کردن "آخوندیسیم" ، هر دو برای کل بورژوازی ایران و در سیاست های این طبقه در مقابله با انقلاب و جنبش کارگری و کمونیستی مطلوبیت و جایگاه خاص خود را دارد. بنابراین نقش و عملکرد سیاسی مذهب را در شرایط حاضر مبارزه طبقاتی در ایران می توان در این جمله خلاصه کرد : سرکوبگری در خدمت رژیم بورژوازی حاکم و عوامفریبی و توهم پراکنی در خدمت اپوزیسیون بورژوازی این رژیم . پس اگر بگوئیم که در شرایط حاضر نقد رژیم جمهوری اسلامی و نیروهای اپوزیسیون بورژوازی آن، بدون شناخت و نقد عمیق مذهب و نقش و عملکرد سیاسی آن در این شرایط امکان پذیر نیست، سخنی به گزاف نگفته ایم. امروز تقریباً در تمامی عرصه های مبارزه طبقاتی، از مبارزه بر سر قانون کار و انحلال انجمن های اسلامی در کارخانجات گرفته تا آزادی زندانیان سیاسی و از افشای سیاستها و اهداف "الترناتیوهای" بورژوازی رژیم جمهوری اسلامی تا مبارزه برای بسیج توده ها حول دموکراسی انقلابی و سرنگونی رژیم، برخورد به مساله مذهب به امری اجتناب ناپذیر تبدیل شده است.

اما از آنچه گفتیم چنین نتیجه می شود که حزب ما باید در تمامی این عرصه ها تبلیغ علیه مذهب را اساس کار خود قرار دهد؟ آیا مبارزه علیه جمهوری اسلامی، مبارزه علیه اسلام را به یک هدف سیاسی ما تبدیل می کند؟ یا باید بین مذهب توده ها با مذهب بورژوازی تفاوت قائل شد و تنها به افشای "سواستفاده های بورژوازی" از مذهب بسنده کرد؟ و ...

در مقاله حاضر سعی شده است تا با مطالعه دقیق تر مساله مذهب و نقد پرولتری آن، به این سئوالات پاسخ گفته شود.

- نقد مارکسیستی مذهب

خصلت ضد علمی مذهب

سیستم نظری مذهب و جهان بینی مذهبی، یعنی مجموعه آن اصول و احکامی که هر مذهب معین در توضیح جهان - جامعه و طبیعت - بیان داشته و آن قواعد و قوانینی که در مورد راه و رسم و شیوه زندگی فردی

و اجتماعی انسانها مقرر کرده است، بر پایه اعتقاد به یک نیروی ماوراء طبیعت و مافوق انسان که آفریننده و حاکم بر جهان و قادر و عالم بر همه چیز و همه کار است، قرار دارد . نیروئی که گرچه در همه جا حاضر و بر همه چیز ناظر است، اما شناخت عقلانی بشر تماماً به عم وجود آن حکم می کند . نیروئی که از حیثه شناخت حسی و تجربی بشر خارج است، اما اراده او بر هر آنچه در این حیثه است سایه افکنده است . نیروی موهومی که عظمت و قدرت او ، به همان اندازه مجهولات انسان است .

باین ترتیب ایندولوزی مذهبی، درست بر خلاف علم، " معلول " را با "مجهول" توضیح میدهد و توهمت انسان در باره نیروی تخیلی و ذهنی را بجای جهل او بر نیروهای عینی جهان واقعی می نشاند . خردمندترین انسان مذهبی کسی است که هر سئوالی را با "چون خدا خواسته است" پاسخ گوید و هر حرکت و تغییر و تحولی را ناشی از مشیت الهی بداند. (و تنها بر اساس این معیارواژگونه است که حجج اسلام، این جاهل ترین انسانهای عصر ما، می توانند بر خود نام "علمای اعلام" بگذارند.)

این تلقض و تقابل کامل مذهب با علم موجب می شود که به موازات پیشرفت علم و بهمان اندازه که آگاهی انسان بر جهان پیرامون خود گسترش می یابد، سیستم نظری مذهب نیز - چه در برخورد به پدیده های طبیعی و چه درباره قوانین و قواعد زندگی اجتماعی - بیشتر رنگ بپازد و بی اعتبار تر شود . بطوریکه امروزه هر کسی که از سطح متوسطی از سواد و فرهنگ برخوردار باشد ، نمی تواند روایات مذهبی درباره آفرینش جهان و انسان و تحولات و پدیده های طبیعی را چیزی بیش از داستانهای تخیلی و خرافی مربوط به عهد طفولیت بشر بداند و یا کمترین ارزشی برای نظرات اجتماعی مذهب ، مثلاً درباره مفهوم عدالت در قوانین قضائی و یا رهنمودهای بهداشتی و یا حدود حقوق اجتماعی زنان و برگان و غیره قائل باشد . اینکه چرا با این وجود هنوز مذهب قدرت و نفوذ خود را میان توده های وسیعی از مردم ما عصر ما حفظ کرده است، مساله ای است که پایین تر به آن خواهیم پرداخت . قبل از آن لازم است تا در مورد برخورد آنتیسم و مارکسیسم به مذهب ، که هر دو در نقد سیستم نظری مذهب با اتکاء به دستاوردهای علمی وجه

از صفحه ۱۳ نکاتی درباره مذهب ...

مشترک دارند، توضیحاتی بهم.

آنتیسم و مارکسیسم در برخورد به مذهب

نقد مذهب به مثابه یک سیستم نظری درباره پدیده ها و قوانین طبیعی و اجتماعی، تنها مختص به مارکسیسم نیست. هر مکتب فکری و جهان بینی غیر مذهبی، بدرجه ای که بر شناخت علمی جهان و دست آوردهای علمی بشر متکی باشد، به همان نسبت در مقابل مذهب قرار می گیرد. چنین مکاتبی منتها قبل از مارکس بخصوص بوسیله متفکرین و دانشمندان بورژوازی، پایه گذاری شده و تکامل یافته بود. بورژوازی انقلابی اروپای قرن ۱۸، بنیال رنسانس علمی و فرهنگی که از چندین قرن قبل در اروپا آغاز شده بود، توانست شیوه علمی جهان را بجای اسکولاستی سیستم کلیسا و دست آوردهای منطق و خرد انسانی را بجای خرافات مقدس قرون وسطانی بنشاند و به این ترتیب ماتریالیسم و آنتیسم، مکاتبی که به قدمت خود مذهب بودند، را تکامل ببخشند و از قدرت و نیروی تازه ای برخوردار کند. مارکسیسم نیز یک ایندولوژی ماتریالیستی و آنتیستی است. یعنی به این حقیقت معتقد است که اولاً هیچ نیروی ماوراء طبیعت و جامعه و مافوق آن وجود ندارد و ثانیاً تمامی اعتقادات و ذهنیات انسان، یعنی آنچه فرهنگ بشری به معنای وسیع کلمه - نظرات و مکاتب مختلف فلسفی و علمی، اخلاقیات و آداب و رسوم اجتماعی، مذهب، هنر و ... - را می سازد، از ماده و شرایط مادی زندگی انسانها، از رابطه عینی انسانها با طبیعت و با یکدیگر، نشأت گرفته است. بنابراین مارکسیسم در اصول و مبانی خود در مقابل هر نوع مذهب و طرز تفکر مذهبی قرار می گیرد. اما همانگونه که مارکسیسم از ماتریالیسم مجرد، یا ماتریالیسم مکانیکی فراتر می رود، نقد مارکسیستی مذهب نیز به آنتیسم محدود نمی شود. روش دیالکتیکی شناخت مارکسیستی، مذهب را نه تنها بعنوان یک ایندولوژی خرافی و تخیلی، بلکه همچنین بعنوان یک پدیده اجتماعی که ضرورت وجودی معینی دارد، مورد مطالعه و تحلیل قرار می دهد. آن ضرورتهای عینی و واقعی که باعث ایجاد و بقای خرافات و توهمات مذهبی شده است را می شناسد و توضیح می دهد و به این اعتبار نیز مذهب را نقد می کند. بعبارت دیگر نقد مارکسیستی مذهب، از نقد آن بمثابه یک ایندولوژی و سیستم فکری در خود،

ایندولوژی آسمانی که مردود است چون خرافه و توهم و تخیل است، فراتر می رود و عمیق تر می شود و به نقد مذهب زمینی، به نقد نقش و ضرورت اجتماعی مذهب، بسط پیدا می کند. وجه مشخصه نقد مارکسیستی مذهب، یعنی وجه تمایز آن از نقد آنتیستی بورژوازی، در همین نکته نهفته است.

علل وجود بقای مذهب

برای مبارزه عمیق و اصولی با مذهب، باید به این سؤال پاسخ گوئیم که چرا مذهب، علیرغم نامعقول و غیر منطقی بودن اصول و احکام آن و علیرغم تناقض آشکار توهمات مذهبی با واقعیت و تجربیات عینی توده های مردم، طی قرنهای متوالی در میان توده ها نفوذ داشته است؟ آیا علت صرفاً نا آگاهی و نادانی مردم است؟ روشن است که این پاسخ ماتریالیستی مساله نیست. مارکسیسم می آموزد که ذهنیت انسانها نتیجه و انعکاس عینیت زندگی آنان است؛ پس باید به این نکته پی برد که ذهنیت مذهبی و اعتقاد هزاران ساله بشر به خدا و ماوراطبیعه، انعکاس کدام شرایط و مناسبات عینی در زندگی اجتماعی او است.

انگلس بروشنی به این سؤال پاسخ میدهد: "تمام مذهب چیزی بجز انعکاس تخیلی آن نیروهای خارجی که زندگی روزمره انسانها را کنترل می کنند، در مغز انسان نیست، انعکاسی که در آن نیروهای مافوق طبیعی ناتا بخود می گیرند" (آنتی دورینگ).

انسان اولیه مقهور طبیعت است. نیروهای طبیعی که ماهیت، منشا و عملکرد آنها برای انسان ناشناخته است، تمام ابعاد زندگی او را تحت سیطره دارد. عجز و ضعف مطلق انسان در برابر این نیروها، باعث می شود که او خدایان را خلق کند و به آنان پناه ببرد. او تلاش می کند تا با تقدیس و ستایش و با ایثار و قربانی دادن، خدایان را بر سر لطف آورد و از این طریق طبیعت قاهر را تحت نفوذ خود در آورد. آری، مذهب، همانگونه که مارکس می گوید "مخلوق انسان در تنگنا افتاده است"

اما اگر خدایان و مذاهب اولیه، وجود خدا را مدیون ضعف و جهل انسان در برابر طبیعت بودند، بقا و ادامه حیات اعتقادات مذهبی در قالب مذاهب پیچیده تر، مدیون آن نیروهای اجتماعی است که با تکامل جامعه بشری و ظهور طبقات و سلطه مناسبات طبقاتی در جامعه بر زندگی انسانها حاکم می شود. برای انسانها، قهر طبقاتی، کمتر از قهر طبیعت هراسناک، مرموز و ناشناخته نیست. انسانی که زندگی اجتماعی او تابع و مقهور مناسبات و روابطی است که کاملاً خارج و مستقل از

خواست و اراده او عمل می کنند، ناگزیر در ذهن خود اراده خداوند را بر جامعه حاکم می کند و سرنوشت خود را تابع اراده او می پندارد، تا به این ترتیب به جهل و عجز و هراس زمینی خود، یک توجیه، مفهوم و غایت آسمانی ببخشد. انسانی که در تنگنای مناسبات و روابط طبقاتی گرفتار شده است، آزادی و رهایی خود را در آسمانها میجوید. خدا، مظهر کمال انسان ناقص و از خود بیگانه زمینی می شود، عدل الهی، بیعدالتی اجتماعی را قصاص می دهد و بهشت آسمانی مصائب جهنمی را که انسان بروی زمین برای خود ساخته است، جبران می کند. در سراسر تاریخ جوامع طبقاتی، علت و زمینه عینی نفوذ مذهب در میان توده ای تحت ستم و استثمار، چیزی به جز این نبوده است.

لنین این مطلب را در مورد جهان سرمایه داری عصر ما چنین توضیح میدهد:

"خدایان را خوف خلق نمود." ترس نیروی نهانی سرمایه - نهانی به این خاطر که عمل آن نمی تواند بوسیله توده ها پیش بینی شود، نیروی که در هر قدم زندگی کارگر و کاسبکار کوچک را با ورشکستگی و انهدام "ناگهانی"، "غیر منتظره" و "تصادفی" تهدید نموده و بنیال خود گدائی، فقر، فحشا و مرگ از گرسنگی می آورد- این است آن ریشه مذهب معاصر که در وهله اول و پیش از هر چیز یک ماتریالیست باید در نظر داشته باشد." (مقاله روش حزب کارگران نسبت به مذهب)

از آنچه تاکنون گفتیم چنین نتیجه می شود که تا جامعه طبقاتی برجاست، مذهب نیز وجود خواهد داشت و تنها زمانی که استثمار انسان از انسان و تبعیض و نابرابری بی حقوقی و نایمی اجتماعی و اقتصاد ناشی از آن از جامعه رخت بر نیسته باشد و انسانها، با اراده آزاد و آگاهانه خود، بر سازمان جامعه مسلط گردند و سرنوشت و مقدرات زندگی خود را در دست گیرند، تنها در چنین شرایطی از مذهب، این همزاد و همراه همیشگی استثمار و ستم طبقاتی نیز اثری بر جای نخواهد ماند. بعبارت دیگر امحای کامل مذهب، تنها با محو نظام طبقاتی ممکن می گردد. اما این هنوز نیمی از واقعیت است، نتیجه دیگر آنست که جامعه طبقاتی برای حفظ و بقای خود به مذهب - همانطور که به تمام ابعاد فرهنگ ایده آلیستی که خود خلق کرده است - نیاز مند است.

رابطه عینیت با ذهنیت رابطه ای یک طرفه نیست. ذهنیت انسانها - خواه همچون نظرات و استنتاجات علمی بازتاب حقیقی شرایط عینی زندگی باشد و خواه همچون توهمات و خرافات مذهبی انعکاس و ازگونه

و تخیلی آن - تنها انعکاس انفعالی واقعیت زندگی آنان نیست، بلکه بنوبه خود بر پروسه عینی زندگی انسانها تاثیر می گذارد. مذهب بمثابه جزئی از فرهنگ ایده آلیستی مسلط در جامعه طبقاتی، نتیجه و معلول مناسبات طبقاتی و در عین حال پاسدار و حافظ این مناسبات است. ندیدن هر یک از این دو جنبه مبین درک و برخورد متافیزیکی - از یک سو ولنتاریسم و از سوی دیگر نترمینیسیم - نسبت به مذهب است و انحرافات سیاسی معینی را در مبارزه با مذهب موجب می گردد که در صفحات بعد مورد بررسی قرار خواهیم داد. اما قبل از آن لازمست تا در بحث خود، از شناخت مذهب آسمانی و علل و زمینه های عینی وجود بقای آن فراتر برویم و به مطالعه مذهب زمینی و نقش و عملکرد اجتماعی آن بپردازیم.

نقش و عملکرد اجتماعی مذهب

ایندولوژی تخیلی مذهب، در قالب یک پدیده و نهاد عینی اجتماعی ماییت می یابد و وظیفه معینی را در خدمت آنچه که وجود خود را مدیون آنست، یعنی مناسبات و روابط طبقاتی در جامعه، بعهده می گیرد. این قالب زمینی مذهب پدیده ای است مرکب از: روحانیون یا سلسله مراتب و سازمان نمایندگان خداوند بر روی زمین؛ فقه و شریعت، یعنی قواعد و دستورالعمل هائی درباره حقوق و مناسبات اجتماعی و اقتصادی و حتی زندگی خصوصی افراد جامعه که تا حد معینی در جامعه عملی و پیاده می شود؛ موسسات مذهبی شامل مقابر قدسیین و امامزاده ها، عبادتگاه ها و زیارتگاه ها، املاک و تاسیسات وقفی و غیره، سنن و مراسم مختلف مذهبی بمناسبت اعیاد و سوگواریها، تولد، مرگ و ازدواج و طلاق افراد جامعه و بالاخره موقوفات و نورات و باج و خراجهای از این قبیل (مانند خمس و زکات و حق امام و غیره و غیره در اسلام) که مخارج زندگی انگلی روحانیون و نگهداری تاسیسات مذهبی را تامین می کند. نقش و عملکرد اجتماعی تمامی این دستگاه عریض و طویل را می توان در توجیه و تحکیم ستم و استثمار طبقاتی، خلاصه کرد. ویژه گی و خصلت ماوراطبیعی و فوق بشری مذهب آسمانی، بمثابه یک آئین مقدس که احکام و دستورات آن در مورد زندگی و در تعیین قابلیت ها و امکانات بیشماری برای ایفای این نقش برخوردار می کند. ما در اینجا به مهم ترین این قابلیت ها اشاره می کنیم.

از صفحه ۱۴

نکته درباره مذهب...

مذهب مدافع و توجیه گر استثمار و ستم**طبقاتی است**

در کلیه مذاهب، نابرابریها و تبعیضات اجتماعی و اقتصادی ناشی از نظام طبقاتی، بمثابة امری مقدر و الهی تلقی شده و مشروعیت می یابد. اعتقاد به اینکه فقر و تنگدستی و یا سعادت و دولت مندی هر فرد ناشی از اراده و مشیت خدا است و عدل الهی کفر دهنده ستم ها و بی عدالتی هائی است که انسانها نسبت بهم روا می دارند، مقاومت در برابر ستم و تبعیض طبقاتی را هم ارتداد

و سرپیچی از اراده الهی و هم عملی بی حاصل و عبث جلوه میدهد، و از این رو موجب صبر و تحمل و تسلیم و تمکین زحمتکشسان و راحتی وجدان و رضای خاطر استثمارگران می شود.

" آنهایی که در تمام زندگی خود زحمت کشیده و در فقر بسر می برند توسط مذهب تعلیم می یابند که تا هنگامی که بر روی زمین هستند بر دبار و مطیع باقی بمانند و به امید پاداش های بهشتی راحت باشند، ولی آنهایی که از طریق کار دیگران زندگی می کنند توسط مذهب تعلیم می یابند که تا هنگامی که بر روی زمین هستند به سخاوتمندی عمل نمایند. بین ترتیب مذهب راه بسیار ارزانی برای توجیه موجودیت خود بمثابة استثمارگران به آنها نشان داده و برای راحتی در بهشت بلبلی به قیمت معتدل به آنان می فروشد" (سوسیالیسم و مذهب- لنین)

بعلاوه مذهب در حمایت از ستم و استثمار طبقاتی، نقش مستقیم و بالفعل تری از "تعلیم و ارشاد" نیز ایفا می کند. اگر در آیات و روایات مذهبی پاداش تبعیث و اطاعت از استثمارگران در نیای دیگر و با وعده بهشت داده شده است، در عوض قوانین فقهی و شرعی، قصاص سرپیچی از استثمارگران و قیام علیه منافع آنان را در همین دنیا و با حد و تعزیر می دهد.

به این ترتیب مذهب عملا و مستقیما وظیفه دفاع از استثمار و حراست از منافع استثمارگران را بعهده می گیرد. مذهب

اسلام در دوره حاکمیت جمهوری اسلامی در ایران، بخصوص در انجام این وظیفه از چیزی فروگذار نکرده است.

مذهب ذاتا و ماهیتا آئینی ضد دموکراسی**است**

اساس و مبنای هر نوع مذهبی را اطاعت و فرمانبرداری بی چون و چرا از خداوند و پیروی اکید از دستورات و قوانین الهی تشکیل میدهد. و این معنایی بجز سلب حق بیهی و مسلم انسان در تعیین سرنوشت و مقررات زندگی اجتماعی و حتی خصوصی خود، و تقویض این حق به خداوند ندارد.

مذهب نه تنها اصولا خواست و اراده مردم را در تعیین حقوق اجتماعی و وضع قوانین - چه بشیوه پارلمانی و چه شورایی - برسمیت نمی شناسد، بلکه این حق را تماما به خداوند و عملا نمایندگان او بر روی زمین، یعنی روحانیون، پاپ و کشیشها و آیت الله ها و حجت الاسلامها واگذار می کند و مردم را به اطاعت و تبعیث از آنان فرامی خواند.

این خصوصیت مذهب آنها را به آئینی نگم و تغییر ناپذیر، مستقل، مافوق اراده مردم و نافذ ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک آنان تبدیل می کند و آنها را در تقابل و ضدیت کامل با دموکراسی بمعنای عام، حتی به مفهوم بورژوئی آن، قرار می دهد. دیکتاتوری اسلامی ایران در این مورد نمونه های بسیار بدست داده که بارزتر از همه مضحکه طرح و تصویب لایحه قصاص و قانون کار اسلامی است.

مذهب عمل ایجاد تفرقه در میان توده**هاست:**

تا آنجا که به حقوق اجتماعی و فردی باز می گردد، هر مذهبی از انسان و یا افراد جامعه، صرفا مومنین یا معتقدین به همان مذهب معین است. مفهوم مذهبی عدل و برابری نیز - حتی اگر تبعیضاتی که بر حسب موقعیت طبقاتی و میزان دارائی افراد در احکام حقوقی مذاهب وجود دارد را در نظر نگیریم - همانا مساوات میان این مومنین است به کلیه انسانها. مثلا احکام و قوانین فقه اسلامی در تمامی زمینه های منی، قضایی و حتی فردی تنها از حقوق مسلمانان سخن می گوید و آنها را در موقعیتی کاملا برتر و

ممتاز تر از غیر مسلمین قرار میدهد. بعبارت دیگر هر مذهب معین از لحاظ حقوق اجتماعی و حقوق فردی نه تنها میان پیروان خود و پیروان مذاهب دیگر - و البته کلیه آنان با کفار - کاملا تفاوت قائل است، بلکه نیمی از پیروان خود، یعنی مردان (یا بقول قرآن مسلمین و مومنین) را از نیمه دیگر (مومنات و مسلمات) متمایز میکند و برتر می شمارد.

این تقسیم بندی حقوقی افراد جامعه بر حسب اعتقادات مذهبی و جنسیت آنان، همواره و در سراسر تاریخ جوامع طبقاتی، بهانه و مستمسک مناسب و موثری برای استثمارگران بمنظور ایجاد تفرقه در میان توده های مردم فراهم کرده است.

مذهب سدی در مقابل هر نوع تحول و**حرکت بجلو است:**

گذشته از عواملی که فوفا بر شمریم، صرف این واقعیت که تاریخ ظهور و پیدایش مذاهب - بمثابة آئین های جزی و مقدسی که انسانها در آن نخل و تصرف ندارند - به حدود دو هزار سال قبل باز می گردد، به مذهب خصلتی ارتجاعی و رو به عقب میدهد. هر آئین مذهبی اگر بخواهد به نظرات و دستورالعمل های عتیقه خود - که غالبا حتی از دستاوردهای فرهنگی و علمی تمدن عصر خود نیز عقب است - وفادار باقی بماند، نمی تواند همچون سدی در مقابل تحولات و تغییرات اجتماعی و تکامل شرایط زندگی انسانها مقاومت نکند و خواستار حفظ و تثبیت فرهنگ و نظام کهنه در مقابل افکار و مناسبات جدید نباشد.

مخالفت سرسختانه مسیحیت با ایده ها و افکار نو و شکجه و آزار و کشتار متفکرین و دانشمندان توسط کلیسا در سراسر تاریخ قرون وسطی، و دشمنی "مجهتدین" و "علمای اعلام" در ایران در تمام طول قرن حاضر و بخصوص بعد از حاکمیت جمهوری اسلامی، با هر آنچه رنگ و نشانی از فرهنگ و تمدن امروز بشر با خود دارد، نمونه هائی از مقاومت مذهب و تفکر متحجر مذهبی در برابر پیشرفت و تکامل است.

این قابلیتها و ظرفیتها، که ما تنها عمده ترین آنها را در بالا ذکر کردیم، از مذهب ایزاری برای توجیه و حراست ستم و استثمار طبقاتی

می سازد. هر آئین مذهبی، حتی اگر در قصص و احادیث خود رنگی از آه و اندوه ستمکشان داشته باشد، در زندگی واقعی و بمثابة یک نهاد اجتماعی به جزئی از دستگاه حکومت تبدیل می شود و نقش و وظیفه تزئین و آرایش واقعیت ستم و استثمار با پوششی از معنویات و اخلاقیات مذهبی، مشروعیت بخشیدن به نظام اجتماعی موجود و فراخواندن بردگان و قربانیان این نظام به

اطاعت و تحمل و تمکین و تسلیم را بعهده می گیرد. نقش اسلام در امپراطوری اسلامی و کلیسا و مسیحیت در سراسر دوران تاریخ قرون وسطی، همچنانکه عملکرد پاپ و واتیکان و اسلام خمینی در جهان سرمایه داری امروز، چیزی به جز این نبوده و نیست. در اینجا ممکن است

برخی از خوانندگان بما تذکر دهند که در مقاطع مختلف تاریخی مذهب نقش مترقی و رادیکال نیز داشته است و از اینرو این نتیجه گیری ما همواره و در مورد تمامی فرقه ها و شاخه های مذهبی صدق نمی کند. از آنجا که این نظر سالها در میان روشنفکران و نیروهای سیاسی خرده بورژوائی نفوذ داشته و بخصوص سازمان مجاهدین خلق همواره یکی از مدافعین و طرفداران سر سخت آن بوده است، لازم است تا در ادامه بحث خود مشخصا نقش و عملکرد آنچه به مذهب مترقی و انقلابی موسوم شده است را نیز بررسی کنیم.

شماره حساب بانکی**اکس مسلم****به این سازمان کمک کنید**Spendenkonto des ZDE
Post bank Dortmund

BLZ: 44010046

Kontonummer :
995 756 463

IBAN: DE12 4401 0046

0995 7564 63

BIK : PBNK DEFF

**اکس مسلم جنبش جهانی بر علیه اسلام سیاسی است.
این جنبش را یاری کنید.**

از صفحه ۱۲

در مورد نامه سرگشاده ...

بعد از جلب توجه رسانه ها و جامعه باید پارگری کنیم، سازمان بدهیم، و فعالیتهای تئوریک تر و پایه ای تری را پیش ببریم.

یک نکته را باید گوشزد کنم که اکنون با گسترده شدن فعالیت این سازمان، مباحث جدید در بین فعالین این حرکت در آلمان و در سطح بین المللی مطرح شده است. استراتژی حرکت ما در سطح بین المللی چیست؟ قرار است در همین رابطه در ماه اوت کنفرانسی برگزار شود که باید برای آن هم آمادگی لازم را داشته باشیم.

در ماه سپتامبر هم جمعی با اعضا اکس مسلم خواهیم داشت و دعوت نامه برای اعضا ارسال خواهد شد.

نکته دیگر اینست که ما در عقب راندن سازمانهای اسلامی، تا همین امروز در آلمان پیشرفتهای جدی داشته ایم. اینها که قبلاً یکه تازی کرده و خود را نماینده همه ما و همه انسانهایی که از کشورهای اسلام زده فرار کرده و یا کارگر مهاجر هستند، امروز دیگر زبانانشان لکنت میگیرد چنین ادعایی را میکنند و در دومین کنفرانس اسلام در دوم ماه مه در برلین نیز "شویبله" و خانم "بوهم" از مسئولین انترکراسیون و همچنین نمایندگان اسلامیها رسماً گفتند و یا مجبور به گفتن شدند، که اینها نماینده ۱۰ الی ۱۵ درصد از کسانی هستند که از این کشورها به آلمان آمده اند.

امروز در آلمان به یمن فعالیتهای ما با هر کمبودی که داشته، یک صدای دیگر در مقابل سازمانهای اسلامی به گوش میرسد که مورد توجه زیادی هم قرار گرفته است. صدای کسانی که از جهانشمولی حقوق انسانی دفاع میکنند.

رسانه ها طبعاً در مورد هیچ موضوعی،

حتی فعل و انفعالات حکومتی، بطور مداوم روی یک موضوع فوکوس نمیکند. ولی در همین مدت نیز دست اندرکاران و فعالین حرکت ما در چندین برنامه تلویزیونی مهم حضور داشته و در دفاع از سکولاریسم و آنتیسم و بر علیه دخالت سازمانهای اسلامی حرف زدند.

اما فعالیت سیاسی و تغییر در قوانین فعالیتهای متنوع و ملزومات متعددی را لازم دارد. بدون این فعالیت متنوع نمیتوانیم فقط از راه رسانه ها به اهدافمان برسیم. ارگانیزه کردن همه این فعالیتهای به انمهای متخصص و مسلط احتیاج دارد.

ما در طول این مدت دریایی از انرژی و با خلایق و استعداد رابوسی خود جلب کرده ایم. اعضای که به ما پیوسته اند، هر یک منبع عظیم کمک به این حرکت هستند. ما سمپتهای زیادی داریم و تعداد قابل توجهی به عضویت این سازمان در آمده اند. نکته مهم اینست که ملاقات با این افراد و رد و بدل کردن مباحثات و تشخیص اینکه چه کسی کدام کار را میتواند به عهده بگیرد، قرار است در روزهای ۱۴ تا ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۷ در شهر کلن آلمان به همراه سازمان بی خدایان کنفرانسی سه روزه داشته باشیم که در آن روزهای شنبه و یکشنبه را به جلسه با اعضای جدید سازمان اکس مسلم اختصاص داده ایم. همینجا از شما هم دعوت میکنیم در این برنامه حضور بهم رسانید. شما بهتر از ما میدانید که این یک حرکت خلاف جریان است و ما باید بتوانیم همه موانع را پشت سر گذاشته و در عین حال با نکت و صبوری کارها را ارگانیزه کنیم.

کار نشریه آلمانی ما هنوز راه نیفتاده است ولی خوشبختانه در نشتی که روز شنبه ۳۰ ماه ژوئن با مسئولین سازمان "ایکا" (بی خدایان) داشتیم قرار شد از این پس در ماهنامه آنان فعلاً صفحات ویژه ای به آلمانی

در مورد فعالیتهای سازمان اکس مسلم و یا مطالب مضمونی در مورد کارمان داشته باشیم. ما بعد از نشست اعضا نشریه خردمان را باید سازمان بدهیم. در مورد نشریه فارسی زبان آن باید بگویم بیشتر به هدف آشنا کردن فارسی زبانان است که از لحاظ سیاسی ابعاد و اهمیت این کار و این جنبش را نشان بدهیم میدانم که نشریه کاملاً آماتور است. این نشریه از روز اول ایده اش مطرح بود اما کسی نبود که مسئولیت آنرا قبول کند. من میدانم که رفیق سعید در زمینه کار مطبوعاتی از صفر شروع کرده و همین حد از کیفیت هم با هزار زحمت و کمبود پیشرفته است و به ابتکار فردی او بوده است. قطعاً باید تغییرات جدی بکند.

در مورد اساسنامه نوشته بودی، حقیقت این است یکی دو مورد ترجمه آنها به دستمان رسید که خیلی غیر حرفه ای و نادقیق ترجمه شده بود. و به همین دلیل قابل استفاده نبود. امید داریم کسی این اسناد را با دقت ترجمه کند و ما بتوانیم آنرا چاپ کنیم. در مورد درج حساب بانکی در نشریه و ... کاملاً حق با شما است.

برای همه این عرصه ها ما احتیاج به همکار و فعال داریم مخصوصاً ارگانیزه کردن تشکیلات این سازمان و نشریه آلمانی آن به نیروی بیشتر و متخصص احتیاج داریم امید داریم که شما برای یکی از این عرصه ها پیشقدم شوید. همینجا از همه علاقه مندان دعوت میکنم برای همکاری در هر عرصه ای که میتوانند و علاقه مند هستند با ما تماس بگیرند. ما احتیاج به همکار و همفکر داریم. کمبودها را میبینیم بیان کمبودها خوب است اما حل کردن و برطرف کردن آن احتیاج به کسانی دارد که آستینها را بالا بزنند و به میدان بیایند. کمبودهای این فعالیت بسیار بیشتر از این است که شما نوشته اید. اما حتماً تصدیق میکنید که دستاوردهایی این

کمپین بسیار بیشتر از انتظار بود. ما هیچ وقت فکر نمیکردیم که با این سرعت وارد میدانی بشویم که بتوانیم با میلیونها آدم حرف بزنیم. ما آگاهانه سبک و نوع فعالیتی را برگزیدیم که این امکان را فراهم کرد. به همین دلیل فرصت و نیرو برای کارهای سازمانی و تشکیلاتی بسیار کم بود.

طبیعی است برای برطرف کردن این کمبودها کسانی که خود را عضو این سازمان و فعال این عرصه میدانند انتظار همکاری بیشتری ازشان داریم. در پایان از همه علاقه مندان میخواهم برای پیشبرد این فعالیتهای که بسیار متنوع و زیاد است با ما تماس بگیرند و در هر عرصه ای که مایل هستند کلانید انجام آن بشوند. ما با آغوش باز پیشنهادات، انتقادات و نظرات همه علاقه مندان را مورد بررسی قرار میدهیم و سعی میکنیم در راستای بهتر پیش رفتن این فعالیت متنوع از نیرو و امکانات آنها نهایت استقبال کنیم. ما علاقه مندیمن دوستان بیشتری جلو بیایند و خوششان را صاحب خانه بدانند. این یک جنبش عظیم و وسیع است به نیروی فعال بسیار بیشتری احتیاج دارد. هر کسی خود را متعلق به این جنبش آنتیسمی و مدافع حقوق انسانی میدانند ما را در کنار خود دارد. این سازمان و این کمپین به همه آنتیسمتها تعلق دارد.

پیروز باشید.

آدرس تماس:

minaahadi@aol.com

asangaran@aol.com

0049-1775692413

ازسینار حمید تقوایی و

مینا احدی :

درباره کمپین ما از مذهب رویگردانیم

که به همت ناصر احمدی پیاده شده است را میخوانیم :

امیر زاهدی : در رابطه مسئله سلمان رشدی و خود مینا احدی که میدانم در مورد مینا خطر صدها بار بیشتر از خطر سلمان رشدی است، و تا حدودی از پیامدها و هزینه هایش هم با خیرم اما ضروری میبینم که خود مینا حتماً توضیح بدهد که کسانیکه ضنش هستند چه تهدید و ارعابی علیه اش راه انداخته اند، و بگوید که این چه نیرویی است که مینا را اینقدر بی پروا و جسور و شجاع کرده که از اینها هیچ باکی ندارد و دارد کار خودش را میکند؟

مینا احدی و حمید تقوایی در خصوص اهمیت و جایگاه سازمان اکس مسلم در مبارزه با اسلام و اسلام سیاسی و همچنین معرفی کمپین ما از مذهب رویگردانیم، مصاحبه اینترنتی ای در اواسط ماه ژوئن که با شرکت تعدادی از علاقمندان به سازمان اکس مسلم برگزار شد، داشتند. در زیر بخشی از سئوال و جواب شنوندگان

زنان مهم است که در پیشروی آن خیلی تأثیر دارند، مثل خود من که از ایران و رژیم جمهوری اسلامی آمده ام و همکارم خاتم آرزو توکر از ترکیه و نور جباری که از کشور عراق هستند. ما سعی میکنیم یک ترکیبی از کشورهای مختلف را در جلوی جامعه جهانی بگذاریم. میخواهم روی این مسئله تأکید کنم که این یک جنبش جهانی است و اگر ما پا جلو بگذاریم منتقدین و معترضین هم که شخصیتهای سرشناسی هستند و میخوانند اعتراضاتشان را جهت بدهند و با ما تماس بگیرند، آنوقت جرات پیدا میکنند. از طرف دیگر میخواهم به این

صفحه ۱۶

سینار اینترنتی با ...

مسئله تاکید کنم که حضور ما بعنوان کادرها و فعالین حزب کمونیست کارگری و بعنوان کسانیکه یک خط و یک نگرش، یک نقد و یک جنبشی را نمایندگی میکنیم خیلی تاثیر داشته در اینکه این جنبش در آلمان و کشورهای اسکاندیناوی و کشورهای دیگر پا بگیرد. تجربه ای در دانشگاه تریراز خود آلمان دارم که ۲۰ نفری از دوستان خودمان هم از کمپین اکس مسلم آجا بودند. این تجربه اینست که حدود ۸۰-۷۰ نفر بودند از استاد و فیلسوف و پروفیسور که هرکدام که پشت میکرفون میرفتند ما فکر میکردیم اینها چی میخوانند بگویند! عمدتا روی منسجم بودن بحث سیاسی که ما میکنیم تاکید میکردند. الان اینجور شده که در آلمان کله گنده های شناخته شده شان را، طرفداران نسبیبت فرهنگیشان را در مقابل ما میاورند. همین هفته گذشته در دانشگاه فرانکفورت در جلسه ای بودم که در آن کسی را آورده بودند که خیلی شدید از اسلامپها دفاع میکرد حتی از ملی گروش که یک حزب بسیار افراطی است دفاع میکرد و ظاهرا در افکار عمومی و مطبوعات هم خیلی شناخته شده است. یا اشتاین باخ را در مقابل ما آورده بودند که منتهی قبله اینها بوده و از خاتمی هم دفاع کرده بود و ما در بین خودمان به او آیت الله اشتاین باخ میگفتیم چراکه در میان اسلامپها حتی شدیدتر از از خامنه ای در مقابل ما از اسلام دفاع میکند. هفته گذشته در دانشگاه فرانکفورت در جلسه ای که اسمش را گذاشته بودند گسست زمان، بحثشان این بود که دوران عوض شده و دنیا عوض شده است.

دوستانی که از آلمان هستند و آلمانی بلند میتوانند به روزنامه فرانکفورت آلمگامپه رجوع کنند و گزارشش را که روز بعد نوشته شده و خیلی هم تیبیک بود ببینند که نویسنده گفته بود که هیچ جلسه ای مثل این نمیتوانست این گسست زمان را خوب نشان بدهد چراکه یک خاتمی که در مقابل سه مرد که از اسلام طرفداری میکردند در بحث برنده شد. علتش هم اینست که یک غول فکری آورده بودند در مقابل ما که در بحثی باشند که من بودم و سه نفر از این غول های فکری که هر سه از اسلام دفاع میکردند. یک غول فکری آورده بودند که طرف بمن میگفت دانشمند هستم و درحوزه دانش حرف میزنم و تو داری احساساتی پروپاگاند سیاسی میکنی. خود منم ارزیابیم این بود که آخر سر او باخت. میخواهم بگویم که اگر ما نباشیم، اگر جریان و جنبش و رهبران و فعالینی نباشند که کل بحث را

جواب بدهند، اگر کسانی نباشند که اسلام سیاسی را دقیق و تئوریک بشناسند و بتوانند به آنها جواب دهند و دنیا را و نظم نوین جهانی را واقعا نقد کنند و بقول حمید تقوایی به بغل این قطب و یا به قطب مقابلش غش نکنند، آموغع ما می توانیم به هر دو قطب جواب بدهیم و از جبهه سوم دفاع کنیم و این بنظر من فوق العاده است. در عین حال ما از نظر سیاسی گذشته و پرونده پاکي داریم و فعالیت های انسانی کرده ایم. الان توی آلمان یواش یواش از وابستگی من به حزب، به اینکه این حزب از چی دفاع میکند صحبت میکنند و کلا کسانی دارند علاقمند میشوند و دارند برنامه حزب را میخوانند.

ما در عین حال که یک جنبش سیاسی و یک حرکتی را داریم پیش میبریم و یک نقدی و یک جبهه سومی را داریم نمایندگی میکنیم در عین حال داریم به یک عده ای هم اعتماد بنفس میدهیم. و بنظر من این نکته مهمی از کارماست. مثلا برخورد سلمان رشدی یا تسلیمه نسرین اینطور بوده که خیلی ترس نشان داده اند و به فضای رعب و وحشتی که ساخته شده و اینکه خبرنگارها چه جور زنگ میزنند و غیره تن داده اند. اخیرا یک نویسنده ای در آلمان که کتابهای کردکان را مینویسد و در کتابهایش مذهب را نقد میکند و توضیح میدهد که چگونه است و چیست، یکی از رهبران حزب محافظه کار مسیحی (س اس او) آلمان علیه او حرف زده بود و گفته بود که سعی کنید کتابهای او به اتاق خواب بچه های ما راه پیدا نکند. بعد از آن ما هم به عنوان یک جریان و جنبشی در اینطرف ایستاده ایم بطور علنی از او حمایت کردیم. میکائیل اشمیت سالمون و سازمان جردانو برونو رسما از او دفاع کرد. و از آنجایی که در اینجا همه دعوا علنی شده است بطور علنی در حمایتش اطلاعیه مطبوعاتی داده شد. برابم جالب بود که خود نویسنده دیروز به مسئولین جردانو گفت که اگر برای من حادثه ای اتفاق بیافتد همه کتابهایم را به شما هدیه خواهم کرد.

میخواهم بگویم که این کارها یک عده را دور ما جمع میکند که قبلا بخصوص در رابطه با اسلام سیاسی جرئت نمیکردند حرکتی بکنند. به آنها اعتماد بنفس میدهد. در یکطرف مرگ، ترور مطرح است و فیلم ونگوگ، همان کارگردان به قتل رسیده را نشان میدهند و در اینطرف هم که ما ایستاده ایم. همین دیروز با یک روزنامه آلمانی مصاحبه داشتم و میگفت که بقیه دوستانتان را تهدید نکردند؟ منم گفتم که جرات نکردند تهدید و قوای علنی بدهند. میخواهم بگویم که ما داریم فضا درست میکنیم و داریم جنبش گسترده اجتماعی را که علیه

اسلام سیاسی و کل مذهب در سراسر دنیا براه افتاده نمایندگی میکنیم. و بیخود نیست که وال استریت ژورنال مقاله مینویسد و با ما مصاحبه میکند و با ریچارد داوکینز مصاحبه میکند و هر دو مصاحبه را هم در یکجا چاپ میکند و میگوید که جنبش نوین سکولاریستی براه افتاده است. و یا روزنامه اشپگل در هفته گذشته تیتر میزند که "خدا مقصر همه چیز است" و در رابطه با جنبشی حرف میزند که از آمریکا تا آلمان و تا کشورهای اسکاندیناوی علیه اسلام و خالاشش شروع شده است.

جمشید هاسیان: من موضع حزب

کمونیست کارگری حکمیتست را نسبت به کمپین اکس مسلم که چند خط پیشتر نیست میخوانم. در این رابطه حمید تقوایی اگر نظری دارند بگویند. "در رابطه با کمپین اکس مسلم قابل توجه همه اعضا حزب حکمیتست در خارج کشور - نشریه کمونیست هفتگی موضع حزب را اعلام میکند و موضع اعلام شده در شماره ۱۴۷ این نشریه در مورد کمپین اکس مسلم در خارج کشور موضع حزب حکمیتست است. باعث تاسف است که رهبری حزب کمونیست کارگری ایران به بازی در چنین میدانی کشیده شده است. ما همانگونه که همگان را از مشارکت در تحرکات جریانهای نظیر هخا، الاهواز، ترک پرستان و ناسیونالیستهای کرد و فارس و غیره در ایران منع کرده و اهداف این باصطلاح مبارزات را افشا نمودیم امروز هم نه تنها از کمپین اکس مسلم حمایت نمیکنیم بلکه از یک موضع کمونیستی و ضد مذهبی با هرگونه توهم به این کمپین مبارزه میکنیم و مردم را از پیوستن به آن منع میکنیم. این کمپین در نهایت آب به آسیاب جریانات اسلامی و دست راستی اروپا میریزد. کمیته مرکزی حزب حکمیتست ۲۰۰۷ م ۰۲۷"

حمید تقوایی: قضیه اینست که توی هر شهر و استانی در ایران اعتراضی صورت میگیرد، وقتی مثلا مردم شلنگ آباد در اهواز برای خواستهای بر حق خودشان بلند میشوند و یک سازمانی مثل الاهواز که صرفا یک وجود اینترنتی است و معلوم نیست که کجاست یکمرتبه سروصدایی راه میاندازد حزب حکمیتست فوراً به این فکر میافتد و فراخوان میدهد که مردم در خانه بشینید! چراکه این حرکت مال الاهواز است، و یا وقتی در تبریز مردم میریزند به خیابان و اساس شعارهایشان علیه جمهوری اسلامی است اما یکمرتبه یک تلویزیون ناسیونالیستی آنری میبرد روی این حرکت،

اینها باز میگویند که مردم بنشینید توی خانه چراکه این حرکت هم مل ناسیونالیستهاست! چرا اینطوره؟! برای اینکه این دوستان تحلیلی دارند مبنی بر اینکه در ایران و در دنیا راست دست بالا را دارد و خودشان را هم چپ میدانند.

من موضعی تا این حد حقیر و خودزنانه ندیده بودم. با همین تحلیل شکست طلبانه چپ ضعیف است و راست دست بالا دارد در قضیه جنگ لبنان در سال گذشته چنان بر چپ حمله کردند که خود حسن نصرالله نمیتوانست به این صراحت به چپ حمله کند. میگفتند این چپ بیربط است و نمیتواند سنگ روی سنگ بگذارد و فقط از دور ناظر اوضاع است و در عین حال میگفتند حزب الله چتر حمایتی برای مردم لبنان درست کرده و دارد مهد کودک میسازد و غیره و در مورد حماس هم همین نوع تعریف و تمجید ها را مطرح میکنند. در رابطه با پروژه اتمی و بحران اتمی هم همین حرفها را میزنند. میگویند هر دولتی حق دارد بمب اتم داشته باشد و باید فقط در برابر آمریکا ایستاد! و ارزیابی شان از نیروهای اسلامی در لبنان و عراق اینست که اینها جنبش مقاومت علیه آمریکا هستند. در رابطه با اوضاع ایران رسماً اعلام کردند که راست دست بالا را دارد. کافیتست که یک کاریکاتوری و یک مضحکه ای به اسم هخا سرو صدایی بکند و یا در تلویزیون ترکهای آنری حرفی بزنند، و یا همین سازمان الاهواز که وجود خارجی ندارند و فکر نمیکنم حتی یک هزارم مردم همان تبریز و خوزستان طرفدارشان باشند، فقط کافیتست که سروصدایی بکنند تا فوراً از جانب دوستان ما مدال اینرا بگیرند که اینها دست بالا را دارند، و اوایل بکنند که قوم پرستان آمدند و ناسیونالیستها آمدند و اوایل کنند که سناریو سیاه دارد میاید. و آنوقت رهنمودشان چیست؟ رهنمودشان این نیست که مردم بریزید به خیابان و اینها را جارو کنید. رهنمودشان اینست که مردم بنشینید خانه! راستش این اولین حزبی است که این رهنمود مشعشع را کشف کرده است که مردم خانه بنشینید و کاری نکنید! در اینجا میخواهم از یک زاویه دیگر از این کمپین و حتی از همین اسم اکس- مسلم دفاع کنم. اولین باری که من این اسم را دیدم همین تصویر را داشتم که این اسم درست نیست چون ما کمونیستیم و این اکس مسلم فقط مال کسانیتست که از اسلام دست کشیده اند و آن ضد مذهبی گری عمومی را نشان نمیدهد. ولی بعد که اسناد را دیدم و بحثها را شنیدم و دیدم که چکار

میکند متوجه اهمیت سیاسی و حتی درستی این اسم شدم. ببینید اسلام مذهبی است که میگوید اگر کسی اسلام را ترک کند خوش حلال است. و عملاً هم این قانونش را اجرا میکند. من میدانم مذهب مسیحیت و یهودیت و طرفداران بودا و گوپرستان و طرفداران دالایی لاما هم هر موقع نستشان به قدرت برسد همین را میگویند و در قرون وسطی هم مسیحیت همین کار را میکرد. ما تاریخاً و بطور عموم با این کاری نداریم مسأله اینست امروز یک جنبش معینی است که میگوید که شما مرتد و زندق و کفری اگر اسلام را ترک کنی، و در قرآن است که اگر مسلمان دینش را ترک کند خوش حلال است و اینرا همین الان دارد پراتیک میکند. فتوا میدهند و میکنند و زندگی انسانها را تباہ میکنند. درست همان بلایی که سر سلمان رشدی آوردند و زندگی این آدم را سیاه کردند. بخصوص اگر آن آدم مسلمانی که اسلام را کنار میگذازد شخصیت ادبی و هنری و مطرحی باشد حتماً فتوای قتلش را میدهند. آنچنان بلایی سر سلمان رشدی آوردند که زندگی کاملاً زیر زمینی و داغان و سیاه شد.

بنابراین ما با پدیده ای روبرو هستیم بنام اسلام سیاسی که میگوید کسی حق ندارد اسلام را ترک کند بخصوص اگر آن کس اسم و رسمی داشته باشد یا علنی کند و داد بزند که من اسلام را گذاشته ام کنار فتوای قتلش را میدهند. این برخوردشان به مسلمانان است. برای غیرمسلمانان هم مسأله همین است. وانگوه فیلمساز هلندی یانتان هست که در وسط خیابانهای امستردام هلند کشتند و بلایی که سر کاریکاتوریست دانمارکی آوردند. جنبش مسیحیت سیاسی

نداریم که این کار را بکند و ویا بودیسم و هندویسم سیاسی نیستند ولی اسلام اینکار را میکند. این کمپین اکس مسلم دارد چه میگوید؟

با دادن اسم و نفس اسم گذاریشان این کمپین دارد میگوید که ما اسلام را کنار گذاشته ایم ولی شما هیچ غلطی نمیتوانید بکنید. از این نظر شبیه جنبش "آوت آو کلازت" در دهه شصت اروپا است است که شخصیتهای معروفی که تا آنموقع شرمشان میشد و تابو بود و نمیتوانستند بگویند که گی (همجنسگرا) هستند، یکروز فلان فوتبالیست مشهور، فلان سیاستمدار و هنرپیشه معروف آمدند و گفتند من گی هستم، و حق دارم مثل شما زندگی کنم و هیچ کسی حق ندارد تحقیرمان کند، بروی ما گوجه فرنگی پرت کند و حقمان را زیر پا بگذارد ویا فتوای قتلمان را بدهد. فقط از این نظر کمپین اکس مسلم هم شبیه آنهاست که تابوی ترک اسلام را میشوند. الان در آلمان و سوئد در استکهلم ۵۰ نفر با اسم خود عکس چاپ کرده اند و گفته اند که ما اسلام را گذاشتیم کنار. درواقع اینها ۳۰ سال بود که کنار گذاشته بودند، کمونیست بودند و اسلامی نبودند.

ولی این مهم نیست که به شناسنامه اینها رجوع کنیم، بلکه مهم این جنبش اجتماعی است که در را باز میکند و میگوید سلمان رشدی ها بیایید جلو، هنرپیشه ها، کاریکاتوریستها، فیلمسازها و نویسندگان بیایید جلو، بیایید علیه اسلام حرف بزنید و ما اجازه نمیدهیم علیه تان فتوا بدهند. این حرکت تا امروز همین تاثر را داشته و علیه فعالین این کمپین هیچکسی جرات نکرده فتوا بدهد. ما داریم این تابو را میشکنیم.

یکی از دوستان بمن میگفت که خوب شما امروز این حرفها را میگویید ولی فردا مثل سلمان رشدی زیر زمینی میشوید. مینا احدی خودش بمن گفت که یکی از خبرنگاران به او زنگ میزند و مینا گوشی را برمیدارد و او با تعجب به مینا میگوید که تو چطور مستقیم داری بمن جواب میدی؟ میگوید ما وقتی به تسلیمه نسرين یا به سلمان رشدی زنگ میزنیم تلفنشان از نظر امنیتی از دهها مرکز مختلف عبور میکند تا برادرند! من میگویم یکی از محسنات این کمپین همین است که پس فردا سلمان رشدی هم بیاید به خانه عادی و به خیابان و مثل مردم زندگی کند و خودش به تلفنها جواب دهد. جرمش اینست که علیه محمد یک رمان نوشته است که باید یاریش کنیم نه تا رمان بنویسد و مذهبون هم بقول منصور حکمت مودب بنشینند و گوش بدهند و حق ندارند فتوا بدهند و تهدید کنند. بقول منصور حکمت من میخواهم به مقدسات تو حمله کنم و شما هم بیا بید به مقدسات من حمله کنید و حرف بزنید و فیلم بسازید و رمان بنویسید و صحبت کنید. من اسلام را گذاشتم کنار و حق دارم و میتوانم عقیده ام را عوض کنم و شما حق ندارید که فتوا بدهید. غلط می کنید فتوا بدهید. این کمپین با اسمش و با اعلام اسمیش دارد این کار را میکند و چنانکه خیلی از کسان تلفن زدن و ایمیل داندن و جرات و شهادت اینها را ستونند. و بنظر من هم جرات و شهادت دوستان ماست که ۵۰ نفر و شاید هم تا کتون ۱۰۰ نفر شده اند که همه هم تا نیروز اطلاعاتیه ضد قتلهای ناموسی و ضد اسلام سیاسی میداده اند و هنوز هم میدهند، واکتون در اسکندریه و آلمان ۱۰۰ نفر میگویند ما مسلمان بودیم اما دیگر نیستیم و ما کفریم و مرتدیم و شما آیت الله ها هم هیچ

غلطی نمیتوانید بکنید. این تابو دارد میشکند، این نرم دارد شکسته میشود و ما برایشان جواب داریم. همانطور که مینا میگوید که اکنون ریش و پشم الدین های آلمان آمده اند و میگویند که ما فقط ۰ در صد مردم را نمایندگی میکنیم این یعنی درواقع خفه شان کرده ایم برای اینکه تا می آیند و میگویند که ما نمایندگان مسلمانان هستیم جامعه به آنها پاسخ میدهد ما حداقل ۱۰۰ نفر را میشناسیم که اعلامیه داده اند

و گفته اند که ما مسلمان نیستیم، و اگر صد نفر علنی شده اند که اینها جسورترین هایشان هستند ده ها و صدها هزار نفر هم هستند که مسلمان نیستند و صدایشان در نمایا چراکه از شما میترسند. کما اینکه اخیراً دختر محببه ای نامه ای نوشته که من لطم با شماسات و شما را تحسین میکنم ولی نمیتوانم به شما بپیوندم چون که برادران و پدرم مرا میکشند. ما صدای بی صدایان هستیم دختران جوانی در همین اروپا که نمیخواهند و ناگزیرند توی آن فرهنگ باشند و توی خانواده شان وانمود به مسلمانی کنند و حجاب سرشان میکنند تا چه رسد به کشورهای اسلامی بویژه ایران که همه مردم همین حالت را دارند. این کمپین دارد چنین کاری میکند و نه با قلمش و با نوشته اش بلکه با نفس اعلام وجودش و با نفس اعلام اسمش و با نفس علنی کردن عکسها و آرس و شماره تلفنهایش دارد این کار را میکند. همگی عکس داندن و اسم داندن و با آن اسم ها هم در آن جامعه زندگی میکنند و میگویند که ما اکس مسلم هستیم و کسی نمیتواند غلطی بکند. بین کمپین دارد راه باز میکند و اهمیت این اسم اینجاست.



منصور حکمت

...

دفاع از موجودیت اسلام تحت لوای احترام به باورهای مردم به نظر من بی اعتبار و ریاکارانه است. در میان مردم باورهای مختلفی هست - بنا بر

این بحث نه بر سر احترام به باورهای مردم بلکه بر سر انتخاب باورهای قابل احترام مردم است - هر کس هر چه بگوید به هر حال همه دارند باورهای باب میل خودشان را انتخاب میکنند - و لاجرم آنها که، تحت لوای حرمت به باورهای مردم نقد به اسلام را پس میزنند دارند فقط انتخاب معنوی و سیاسی خود را بیان میکنند و بس - اسلام را به عنوان یک عقیده قابل احترام برمیگزینند و فقط برای

دنیا نیستیم - بازیگران و شرکت کنندگان در آن هستیم - هر يك گوشه ای از این جدال تاریخی - جهانی هستیم که به نظر من از آغاز تا به امروز بر سر آزادی و برابری انسانها در جریان بوده است -

من به خرافاتی که با آنها در حال جنگم و زجر انسانها را در چنگال آن دیده ام احترام نمیگذارم .

مشروعیت "خلقی" دادن به انتخابشان عقاید خود را در بسته بندی "اعتقادات مردم" عرضه میکنند. من به هیچ فرقه ای به هیچ ناحقی حتی اگر همه مردم جهان به آن صحه بگذارند احترام نمیگذارم - این را البته حق هر کس میدانم که به هر چه میخواهد باور داشته باشد - اما میان احترام به آزادی عقیده افراد با احترام به عقیده افراد فرق اساسی هست -

ما بر فراز جهان ننشسته ایم و داور این

اکس مسلمی؟ که چی!



علیرضا علیخاوسی

aaralikasi@yahoo.com

چند روز پیش یکی از دوستانم را دیدم خبری در مورد کمپین اکس مسلم شنیده بود و می گفت که می خواهم با تو صحبت کنم. گفت که شنیدم کمپینی درست شده به نام "ما از مذهب رو یگر دانیم" و اعضای آن دارند با صدای بلند در طبل می گویند که ما از مذهب رویگردانیم، ما دیگر مسلمان نیستیم و ما به مذهب بی اعتقاد شده ایم و از من سوال کرد که آیا تو هم به این کمپین ملحق شده ای که من گفتم بله، ملحق شدم بعد گفت من می خواهم سوال کنم که این یعنی چی؟ یعنی چی که شما از مذهب رویگردان شده ای و به مذهب علاقه ای نداری و بر فرض که مثلا تمام اعضا این کمپین چه در آلمان و چه در انگلیس و چه در هر جای دیگر از مذهب برگشته باشند، چه معنی داره که جار بزنند و این را به اطلاع بقیه برسانند، به نظر من این نمی تواند افتخاری باشد. هر کسی هر عقیده ای دارد برای خودش است و به نظر من (یعنی خودش) هیچ پویبیتی در این کار وجود ندارد. از او سوال کردم

که OK، تمام اطلاعات تو در باره این کمپین همین است؟ تو فقط به اسم این کمپین نگاه کردی و دیگر تا آخر خط برای خودت قضاوت کردی؟ فکر می کنی که اطلاعاتت در این مورد کافیست؟ و شروع کردم برایش توضیح دادن که: این کمپین فقط اعلام کردن این نیست که ما دیگر مسلمان نیستیم و بس! در واقع کوتاه نظری است اگر بدین شکل قضاوت کنیم. و بحث را از سناریوی دردنک سیاستهای میلیتاریستی دولت آمریکا و رو شدنش با اسلام سیاسی شروع کردم که در دنباله آن تراژدی عراق و میدان پیدا کردن بیشتر اسلام سیاسی را باعث شد و نتیجتا شاهد ظلم و ستم بیشتر بر انسانها خصوصا در کشورهای اسلام زده ای مثل ایران، عربستان افغانستان، و پاکستان... شده و زندگی آنها را با قوانین وحشتناک اش تحت اعدام، سنگسار و ترور و جنایت قرار داد که همچنان شاهد این جنایات هستیم و کسی جرات کوچکترین اعتراض را نداشت. دول غربی هم مصلحت در این می بیند که اعتراضی در این رابطه به میان نیورند یا به اصطلاح خوششون رو زند به کوچه علی چپ! و دلایلش هم داشتن روابط سیاسی و اقتصادی با این دول کثیف است. و طبق همین سیاست مماشات جویانه حتی در خود کشورهای غربی اسلامیهستها میدان پیدا کردند و از اجباری کردن حجاب کودکان و کلاسهای تدریس مذهب گرفته تا قتلهای ناموسی و ساختن مراکز و مساجد، همه و همه از آفتهای اسلام سیاسی بوده که فضای رعب و وحشت بی سابقه ای را حتی

در قلب جوامع سکولار باعث شد. نمونه آخرش همین وحشت منتقدین به مذهب و آتیسیت ها که بر سر کاریکتورهای پیامبر اسلام در دانمارک و سایر کشورهای اروپایی بود. مجبور به مخفی شدن سلمان رشدی به خاطر انتقادش به اسلام و جایزه گذاشتن برای سرش از طرف متحجر میث خمینی را هم که دیگر جملگی دنیا اطلاع دارند. قتل دردنک بنام محمود دختری که عشق و دوست داشتن اش قربانی همین آفت اسلام سیاسی بود که در ماههای اخیر در همین انگلستان شاهدش بودیم. در حقیقت قتل های ناموسی ساخته و پرداخته همین اسلام سیاسی است. متأسفانه طبق آمار ۲۵ مورد از این نوع قتل ها موسوم به قتلهای ناموسی داشته ایم. از طرفی دیگر انسانیهایی که در اثر ظلم و ستم از کشورهای اسلام زده و بر اثر همین سیاستها به تنگ آمده اند و در واقع به این کشورها گریخته اند، با زدن برجسب مسلمان به آنها از طرف توده جوامع غربی ناخودآگاه جز گروه مسلمانان قرار می گیرند که دیگر غیر قابل انتظار است. در واقع کمپین (ما از مذهب رویگردانیم) نفی کننده هر گونه هویت مذهبی-ملی است و با صدای بلند اعلام می دارد که به جز تعلق انسانی هیچ نوع دسته بندی دیگری برای هیچ انسانی نباید وجود داشته باشد و در دنباله آن اعلام می دارد که با شکستن تمام تابوها و ایجاد جامعه ای کاملا سکولار خواهان رنسانسی نوین و دنیایی مرفه آزاد و فارغ از هر گونه دخالت و تعرض به انسانیت و

آزادی و حقوق انسانی است و این وظیفه هر انسان آزادیخواه و روشنفکر است که برای دفاع از حق جهانشمول آزادی انسانها به این حرکت بپیوندند. به نظر من نباید در ایران و سایر کشورهای اسلامزده سرکوبگران آخوند و اسلام حکمفرما باشند و نه در اروپا امام و مسجد و هیچ مرکز اسلامی به خودش اجازه بدهد که فرمان تهدید آمیزی صادر بشود. فریاد آزادی خواهی و تمدن سکولاریستها باید به یاری از دفاع از آزادی بیان آزادی "تقد" هرگونه خرافه مذهبی و دفاع از ارزشهای مدرن و پیشرو به مقابله با اسلام سیاسی و دستگاه مذهب و هر گونه سو استفاده از آزادی بیان برخیزد و بی شک کمپین پویای اکس مسلم متحقق کننده آرزوی دیرینه تمام سکولاریستها خواهد بود.

از طریق ارتباط بانکی زیر
 قادر به پرداخت کمکهای
 مالی خود به سازمان "اکس
 مسلم" هستید

Spendenkonto des ZDE
 Post bank Dortmund
 BLZ: 44010046
 Kontonummer :
 995 756 463

IBAN: DE12 4401 0046
 0995 7564 63
 BIK : PBNK DEFF

دایی و عمو و پدر بزرگی حق تحمیل عقاید خود را به کودک ندارد. مراکز که این چنین سیستماتی که به کودک آزاری مشغولند باید تحت پیگرد قانون قرار گیرند. ما از پیگیری حق کودکان کوتاه نخواهیم آمد. مسجد علی و تمامی مراکز وابسته به جمهوری اسلامی باید فوراً تعطیل گردند. این مراکز هیچ ربطی به مردم ایران ندارند. اینان اوباشان و مرتجعینی هستند که باید در دادگاههای مردمی برای آنچه بر سر میلیونها کودک و همه مردم ایران آورده اند، محاکمه شوند. امروز دور نیست

نهاده کودکان مقتدمند
 امیر توکلی

۹ جولای ۲۰۰۷

را میتوانیم در دولتهای اسلامی از قماش جمهوری اسلامی ببینیم. اما طنز تلخ این است که در استکھام سوئد، اوباشانی جرات میکنند در این راه قدم بردارند و اطلاعیه برای سن تکلیف صادر کنند. اینان بخوبی فراریان از حکومت اسلامی را میشناسند، میدانند که هیچ نفوذی در جامعه ندارند. این تلاشهای منبوحانه از سر تبلیغات شیعی اسلامی است. بیهوده نیست که به یک جمله کوتاه بسنده کرده اند. کودک مذهب ندارد و ملک هیچ کسی نیست. انسانی است مستقل که باید زندگی انسانی اش در بهترین شرایط ممکن از طرف جامعه تامین گردد. هیچ آخوند و کشیشی، هیچ پدر و ملاری، هیچ آقا

نوری کند. دیگر شنا کردن، تفریح و مسافرت رفتن با همکاسی ها ممنوع است. باید بیاموزد که در مقایسه با پسران کم ارزشتر است، جنس دوم است لذا باید فرمانبر و قانع باشد. باید تابع و مطیع پسران و مردان خانواده و فامیل باشد، آینده اش را آنان رقم میزنند. باید خود را برای ایفای نقش همسری خوب و مهربان و مادری از خود گذشته آماده کند. و همه اینها از نه سالگی شروع میشود. در کجا این همه وقاحت و این همه عقب ماندگی را سراغ دارید. در کجا اینچنین بی شرمانه در روزی روشن به جسم و روان کودکی نه ساله تعرض میکنند و او را تا آخر عمر در هم میکوبند. البته این رسوم ضد انسانی هزاران ساله

از صفحه ۱

هدیه به کودکان ...

به کودکان ۹ ساله دختر که به سن تکلیف رسیده اند در مسجد علی در استکھام سوئد هدیه داده میشود. خبر کوتاه ست، به کوتاهی یک جمله. اما آنانی که در جوامع اسلام زده زندگی کرده اند بخوبی با عمق این فاجعه، با عمق بلایی که تحت عنوان جشن تکلیف میخوانند بر سر دختران نه ساله بیآورند، آشنایند. دختران متولد ۱۹۹۸ یعنی دختر خردسال شما و من که امسال کلاس دوم دبستان را شروع میکند از امروز دیگر فردی بالغ است. باید حجاب بر سر کند، از معاشرت با پسران



جبهه سوم



بیانیه جبهه سوم در برابر میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی

کشمکش که بین دول غرب و جمهوری اسلامی در جریان است میتواند از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری داشته باشد. تجربه تلخ عراق مصائب ناشی از تحریم اقتصادی و حمله نظامی را در برابر چشم همگان قرار داده است. سخت تر شدن شرایط زندگی و فلاکت اقتصادی، کشتار و خانه خرابی مردم، و گسترش سرکوب مردم توسط جمهوری اسلامی گوشه هائی از نتایج بلافصل تحریم اقتصادی و یا حمله نظامی به ایران است. این سیاست در سطح منطقه نیز موجب افسار گسیختگی تروریسم اسلامی و در سطح بین المللی موجب گسترش ابعاد تروریسم خواهد شد.

باید با تمام قوا در مقابل قدری آمریکا و متحدینش ایستاد، باید به جنایات قطب مقابل یعنی تروریسم اسلامی پایان داد و به مردم کشورهای اسلامزده کمک کرد تا از شر دولتها و جریانات تروریست اسلامی رهائی یابند. میلیتاریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی فضا را برای بشریت در سراسر جهان سیاه کرده اند. اینها هیچکدام راه حلی برای بحران حاضر و مسائلی که با خود مطرح کرده است ندارند، بلکه خود مسبب این بحران ها و تشدید و تعمیق آنها هستند. بشریت متمدن باید در مقابل هر دو قطب و مصائبی که به دنیا تحمیل کرده اند قد علم کند. راه حل انسانی و واقعی مساله سلاح های هسته ای و تروریسم اسلامی و جنایات غیرقابل توصیفش علیه مردم جهان و قلدرمنشی های میلیتاریستی آمریکا و دول غربی در دست ما مردم است.

در این میان مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی نقش برجسته و تعیین کننده ای ایفا میکند. در ایران سالهاست یک جنبش اجتماعی وسیع علیه حکومت اسلامی و برای رسیدن به آزادی و برابری در جریان است. پیروزی این جنبش بر جمهوری اسلامی یک ضربه تعیین کننده به اسلام سیاسی و تروریسم اسلامی در سراسر جهان و همچنین پاسخ موثر و تعیین کننده ای به دخالتگرهای سیاسی؟ نظامی آمریکا برای تغییر حکومت و با صطلاح "صنود دموکراسی" و تحمیل حکومتهای دست ساز ارتجاعی به جوامع دیگر خواهد بود. پیروزی مردم ایران یک گام بلند بجلو و نقطه عطف مهمی در مقابله با تروریسم میلیتاریستی و اسلامی و در دفاع از آزادی و تمدن و حقوق جهانشمول همه انسانها در سراسر جهان خواهد بود.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام میداریم:

- 1- نه به جنگ، نه به تحریم اقتصادی. تحریم اقتصادی و حمله نظامی به ایران از نظر انسانی، سیاسی و اجتماعی عواقب فاجعه باری خواهد داشت. آنچه در عراق اتفاق افتاد نباید در ایران تکرار شود. این تهدیدات باید فوراً متوقف شود.
 - 2- نه به میلیتاریسم آمریکا، نه به اسلام سیاسی. جهان متمدن در کشاکش میان تروریسم دولتی غرب و تروریسم اسلامی نمایندگی نمیشود. هر دو سوی این درگیری، ارتجاعی و ضد انسانی هستند و باید به عقب رانده شوند.
 - 3- خلع سلاح اتمی همه دولتها. نه ایران، نه آمریکا، و نه هیچ کشوری دیگری نباید سلاح اتمی داشته باشد. پروژه اتمی جمهوری اسلامی باید فوراً متوقف شود اما دولتهائی که خود بزرگترین زرادخانه اتمی را دارند مراجع نیصلاهی برای قضاوت در مورد قدرت اتمی دیگر کشورها نیستند. مقابله با پروژه هسته ای جمهوری اسلامی امر مردم آزاده جهان و بویژه مردم ایران است. همانطور که خلع سلاح هسته ای همه کشورها و خلاصی از کابوس اتمی که جهان معاصر را فرا گرفته است امری است که تنها با اعتراض و مبارزه مردم جهان میتواند متحقق شود.
 - 4- تعرض به حقوق منعی مردم در غرب به بهانه مقابله با تروریسم باید متوقف شود. دولتهای غربی به بهانه خطر تروریسم و حفظ امنیت، حقوق و آزادیهای منعی مردم را نفی و محدود میکنند. کنترل و تحت نظر قرار دادن زندگی خصوصی شهروندان، محدود کردن آزادی بیان، آزادی رفت و آمد و نفی حقوق مهاجرین از جمله رایج ترین تعرضات دولتها به زندگی مردم است. باید با این تعرض مقابله کرد و آنرا خنثی نمود. هیچ دلیل و بهانه ای برای دست درازی به حقوق و آزادیهای مردم پذیرفتنی نیست.
 - 5- از مبارزات مردم ایران علیه حمله نظامی و علیه جمهوری اسلامی فعالانه حمایت میکنیم. مردم ایران که 27 سال است در مقابل سرکوب، خفقان، بیحقوقی زن، آپارتاید جنسی، سنگسار، اعدام و شکنجه زندانبان سیاسی و در مقابل تحمیل فقر و محرومیت اقتصادی مبارزه میکنند، خود میخواهند و میتوانند که سرنوشت سیاسی خود را تعیین کنند. حمایت از مبارزات مردم ایران برای رهائی و آزادی و پیروزی آن بر جمهوری اسلامی و برقراری حکومت مستقیم خود مردم گام تعیین کننده ای در مقابله با قلدر منشی آمریکا و ضربه قطعی به تروریسم اسلامی در منطقه خاورمیانه و در جهان خواهد بود.
 - 6- جمهوری اسلامی باید از جامعه جهانی طرد شود. جمهوری اسلامی بدلیل 27 سال جنایت علیه بشریت، بدلیل سرکوب بیرحمته مبارزات حق طلبانه مردم ایران و اعدام بیش از صد هزار زندانی سیاسی، به دلیل حکم کردن آپارتاید جنسی در ایران، و بدلیل حمایت از جریانات تروریسم اسلامی در منطقه و گسترش تروریسم در سطح جهان باید مانند رژیم آپارتاید آفریقای جنوبی از جامعه جهانی طرد شود. ما خواهان عزم برسمیت شناسی جمهوری اسلامی بعنوان نماینده مردم ایران، قطع روابط دیپلماتیک و بستن سفارتخانه های جمهوری اسلامی در همه کشورها و اخراج آن از نهادهای بین المللی هستیم.
- ما همه سازمانها و نیروها و احزاب و شخصیتهای استاندوست، سکولار، ضد جنگ و آزادیخواه جهان را به امضای این بیانیه و پیوستن به جبهه سوم برای مقابله با هر دو قطب تروریستی فرامیخوانیم.

بیانیه را امضا کنید

<http://farsi.thirdcamp.com/farsimanifest.php#ign>